

دعوت رهبر انقلاب از مردم برای نمایش مجدد اراده و ایستادگی ملی در روز ۲۲ بهمن:

دشمن را مأیوس کنید

آن بیگانگان در طول این سال‌ها همیشه خواسته‌اند، وضعیت سابق را دوباره برگزار کنند؛ [اما] ملت ایران ایستاده. مظهر این ایستادگی، روز بیست‌ودوم بهمن است. این راهپیمایی در دنیا بی‌نظیر است.

ادامه در صفحه ۲

هر سال، روز رونمایی از قدرت و عزت ملت ایران است؛ ملت‌ی بحمدالله بانگیزه، بااراده، ثابت‌قدم، قدردان و آگاه از مصالح و مفاسد خود. آن روزی که بیست‌ودو بهمن اول اتفاق افتاد، ملت ایران یک فتح بزرگ کرد؛ توانست خودش را و کشورش را از دخالت بیگانگان نجات بدهد.

آنکه به موشک و هواپیما ارتباط داشته باشد، به اراده ملت‌ها و ایستادگی ملت‌ها ارتباط پیدا می‌کند. ایشان همچنین از مردم ایران خواستند تا دوباره در ۲۲ بهمن با نشان دادن اراده و ایستادگی خود، دشمن را مأیوس کنند. متن پیام تلویزیونی رهبر انقلاب به این شرح است: روز بیست‌ودوم بهمن در

رهبر انقلاب روز گذشته در پیامی تلویزیونی، ۲۲ بهمن را روز رونمایی از قدرت و عزت ملت ایران خواندند و با تأکید بر اینکه حضور مردم در راهپیمایی و ابراز وفاداری به جمهوری اسلامی باعث عقب‌نشینی دشمن از طمع‌ورزی علیه ایران و منافع ملی خواهد شد، تأکید کردند: قدرت ملی بیش از

یادداشت روز

سرنوشت مذاکرات عمان

یکی از نشانه‌های بالقوه مثبت در این روند، هماهنگی در ساختار تصمیم‌گیری دیپلماسی است

حسن بهشتی‌پور

کارشناس مسائل بین‌الملل



درحالی که دور تازه‌ای از گفت‌وگوهای ایران و آمریکا در عمان برگزار شده و هر دو طرف با لحنی مثبت از آن سخن گفته‌اند، فضای رسانه‌ای و سیاسی بار دیگر با پرسشی قدیمی اما بنیادین مواجه شده است: آیا این روند واقعاً به سمت یک توافق ملموس حرکت می‌کند، یا صرفاً یک چرخه تکراری از «گفت‌وگو بدون نتیجه» است؟ پاسخ به این پرسش، نه در لحن خوش‌بینانه بیانیه‌ها بلکه در ماهیت آنچه در پشت درهای بسته رخ می‌دهد و در ساختار واقعی اختلافات نهفته است.

نخست باید به این واقعیت توجه کرد که خود آغاز مذاکرات، فارغ از محتوای آن، حامل یک پیام مهم در سطح داخلی و بین‌المللی است. در شرایطی که پیش از این دور از گفت‌وگوها، فضای رسانه‌ای مملو از گمانه‌زنی‌های جنگ‌طلبانه و تهدیدهای متقابل بود، شروع مذاکرات نوعی آرامش نسبی در جامعه ایجاد کرده است. این آرامش نه صرفاً یک دستاورد روانی بلکه یک سرمایه سیاسی برای هر دو طرف است؛ ایران با نشان دادن تمایل به دیپلماسی، تلاش می‌کند تصویر یک بازیگر مسئول در نظام بین‌الملل را تقویت کند و آمریکا نیز می‌کوشد، نشان دهد گزینه نظامی تنها ابزار سیاست خارجی آن نیست. با این حال، ارزیابی مثبت طرفین از مذاکرات لزوماً به‌معنای پیشرفت واقعی نیست. در دیپلماسی، لحن مثبت اغلب بخشی از تاکتیک مدیریت افکار عمومی است. آنچه اهمیت دارد، شکل‌گیری یک «دستورکار مشترک» است؛ مرحله‌ای که هنوز به‌نظر می‌رسد در حال تکوین است. به بیان دقیق‌تر، گفت‌وگوهای جاری بیشتر در سطح «دیالوگ» قرار دارد تا «مذاکره» به‌معنای کلاسیک آن؛ یعنی دو طرف در تلاش هستند، چارچوبی برای موضوعات قابل مذاکره تعریف کنند نه اینکه وارد بده‌بستان واقعی شده باشند.

یکی از نشانه‌های بالقوه مثبت در این روند، هماهنگی نسبی در ساختار تصمیم‌گیری دیپلماسی ایران است. تجربه سال‌های گذشته نشان داده که شکاف میان نهادهای سیاستگذار، به‌ویژه میان دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی و وزارت امور خارجه، می‌تواند هزینه‌های سنگینی بر مذاکرات تحمیل کند. اکنون نشانه‌هایی از همگرایی میان این نهادها دیده می‌شود؛ از سفرهای مکمل دیپلماتیک گرفته تا هماهنگی در پیام‌ها. این هم‌افزایی، اگر پایدار بماند، می‌تواند قدرت چانه‌زنی ایران را افزایش داده و از ارسال سیگنال‌های متناقض به طرف مقابل جلوگیری کند.

اما چالش اصلی همچنان در ماهیت مطالبات و خطوط قرمز طرفین نهفته است. ایالات متحده به‌دنبال توافقی گسترده‌تر از صرفاً پرونده هسته‌ای است و تلاش می‌کند، موضوعاتی چون برنامه موشکی و نفوذ منطقه‌ای ایران را نیز در چارچوب توافق بگنجاند. این درحالی است که برخی از این مطالبات، به‌ویژه در حوزه موشکی، برای تهران غیرقابل‌پذیرش است؛ چراکه به‌منزله تضعیف بازدارندگی در برابر تهدیدات منطقه‌ای تلقی می‌شود.

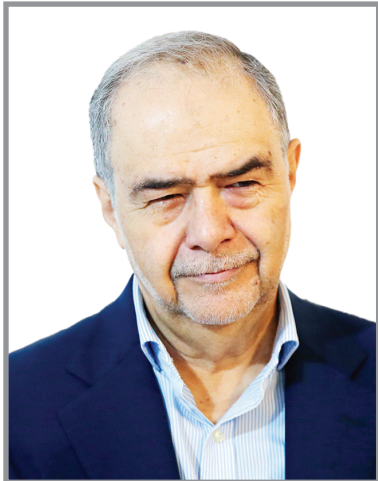
ادامه در صفحه ۲

سیدحسین مرعشی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران

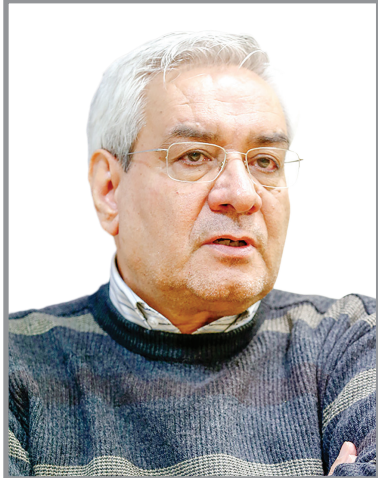
نسبت به بازداشت کادر مرکزی جبهه اصلاحات ایران و برخی از چهره‌های سیاسی واکنش نشان داد:

چرا بازداشت؟

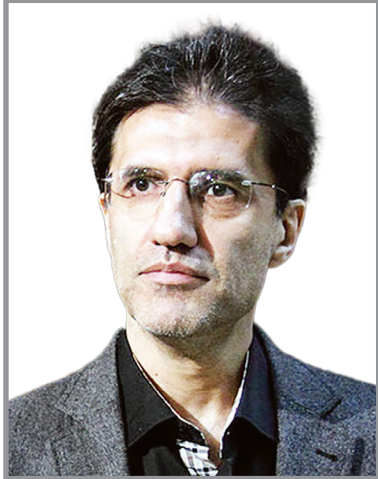
مگر قوه قضائیه و نهادهای اطلاعاتی نمی‌توانند با اصلاح‌طلبان بنشینند و گفت‌وگو کنند؟
چرا باید به سمتی برویم که به مشکلات کشور اضافه شود؟
همه باید در خدمت ایران باشیم



محسن امین‌زاده؛ عضو جبهه اصلاحات ایران



ابراهیم اصغرزاده؛ رئیس کمیته سیاسی جبهه اصلاحات ایران



حسین کروی؛ فعال سیاسی اصلاح‌طلب



عاطفه شمس

گروه سیاسی

درحالی که رئیس‌جمهور پس از وقایع دی‌ماه بارها بر گفت‌وگو، شنیدن صدای منتقدان و کاهش شکاف‌های سیاسی تأکید کرده طی روزهای اخیر چند تن از چهره‌های مطرح جریان اصلاح‌طلب ازجمله تعدادی از اعضای جبهه اصلاحات ایران که از نزدیک‌ترین و مؤثرترین حامیان او در انتخابات ریاست‌جمهوری به‌شمار می‌آیند با برخوردهای امنیتی و قضایی مواجه شده‌اند؛ برخوردهایی که از بازداشت تا احضار قضایی را دربر گرفته و با ابهام‌های جدی درباره دلایل و روند آن همراه است. در همین رابطه سیدحسین مرعشی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران در گفت‌وگو با سازندگی تأکید کرد که امروز همه گروه‌ها و نهادهای حاکمیتی، سیاسی و مردم باید متحد باشند و فقط به حفاظت از کشور در برابر تهدیدات خارجی و جلوگیری از آسیب آمریکا و اسرائیل به کیان کشور فکر کنند. او با انتقاد از روند برخوردهای امنیتی و قضایی با چهره‌های اصلاح‌طلب پرسید: «مگر قوه قضائیه و نهادهای اطلاعاتی نمی‌توانند با اصلاح‌طلبان بنشینند و گفت‌وگو کنند؟ چرا باید مشکل به مشکلات کشور اضافه شود؟» وی ادامه داد: «امروز روز گله و گلایه و جدایی بین دولت و ملت نیست؛ روزی است که باید متحد باشیم و سعه‌صدر و گذشت داشته باشیم». مرعشی همچنین تأکید کرد که جبهه اصلاحات ایران، تحت هدایت و افکار سیدمحمد خاتمی به فعالیت‌های خود ادامه خواهد داد و هیچ‌یک از سختی‌ها یا فشارها، اصلاح‌طلبان را از ادامه فعالیت سیاسی و توجه به مردم باز نخواهد داشت.

ادامه در صفحه ۲



آذر منصوری؛ رئیس جبهه اصلاحات ایران



علی شکوری‌راد؛ فعال سیاسی اصلاح‌طلب



جواد امام؛ سخنگوی جبهه اصلاحات ایران

ادامه رهنمود

دشمن را مأیوس کنید

در هیچ جای دنیا، ما هرگز سراغ نداریم که بعد از سال‌های متمادی، روز استقلال و روز ملی کشور، هر سال این جور با جمعیت‌های عظیم در سراسر کشور مواجه بشود و [مردم] بتوانند خودشان را نشان بدهند. امروز ملت ایران با راهپیمایی در خیابان‌ها خودش را نشان می‌دهد؛ و کسانی را که طمع در ایران اسلامی و در جمهوری اسلامی و در منافع این ملت دارند به عقب‌نشینی وادار می‌کند. قدرت ملی بیش از آنکه به موشک و هواپیما ارتباط داشته باشد به اراده ملت‌ها و ایستادگی ملت‌ها ارتباط پیدا می‌کند. شما بحمدالله در قضایای مختلف ایستادگی را نشان داده‌اید، اراده خودتان را نشان داده‌اید؛ باز هم نشان بدهید و دشمن را مأیوس کنید. تا دشمن مأیوس نشود، یک ملت در معرض آزار و اذیت قرار می‌گیرند؛ باید دشمن را مأیوس کرد. مأیوس بودن دشمن با اتحاد شماست، با قدرت فکر و اراده شماست، با انگیزه شماست، با ایستادگی در مقابل وسوسه‌های دشمن است؛ اینها قدرت ملی را تشکیل می‌دهد.

انشاءالله جوانان ما بتوانند در میدان‌های مختلف، در میدان علم، در میدان عمل، در میدان تقوا و اخلاق، در میدان پیشرفته‌ای مادی و معنوی هرچه بیشتر پیش بروند و اقدام کنند و برای کشور افتخار درست کنند. و روز بیست‌ودوم بهمن مظهر همه اینهاست؛ همه در خیابان‌ها ظاهر می‌شوند و شعار می‌دهند و حقایق را بیان می‌کنند و همبستگی خودشان را اعلام می‌کنند؛ و ملت ایران وفاداری خودشان به جمهوری اسلامی را اعلام می‌کنند.

امیدواریم ان‌شاءالله این بیست‌ودوم بهمن هم مثل همه بیست‌ودوم بهمن‌های سال‌های گذشته شکوه ملت ایران را مضاعف کند، افزون کند و ملت‌های دیگر را، دولت‌ها و قدرت‌ها و دیگران را در مقابل ملت ایران وادار به خضوع و خشوع بکند؛ که ان‌شاءالله همین‌طور هم خواهد شد.

ادامه یادداشت روز

سرنوشت مذاکرات عمان

با این وجود، در حوزه‌های دیگر، ازجمله ترتیبات امنیتی منطقه‌ای یا مدیریت ذخایر اورانیوم غنی‌شده، گزینه‌های خلاقانه‌ای وجود دارد که می‌توانند، زمینه مصالحه را فراهم کند. ایده‌هایی مانند ایجاد سازوکار همکاری منطقه‌ای میان قدرت‌های خاورمیانه یا تشکیل بانک سوخت هسته‌ای منطقه‌ای، هرچند پیچیده اما از نظر نظری می‌توانند، بخشی از بن‌بست فعلی را بشکنند.

در این میان، بدبینی نسبت به مذاکرات نیز کم نیست. برخی تحلیلگران فضای کنونی را با دوره‌های پیش از درگیری‌های محدود نظامی مقایسه می‌کنند و احتمال می‌دهند، مذاکرات صرفاً پوششی برای آماده‌سازی یک اقدام نظامی باشد. اما حتی در چنین سناریوی بدبینانه‌ای، ورود به مذاکره الزاماً یک بازی باخت-باخت نیست. دیپلماسی، حتی اگر به توافق نیجامد، می‌تواند تنش را مدیریت کند، زمان بخرد و تصویر بین‌المللی یک کشور را بهبود بخشد. افزون بر این فرض غافلگیری نظامی در شرایطی که نیروهای نظامی و امنیتی در سطح بالای آمادگی قرار دارند چندان واقع‌بینانه به‌نظر نمی‌رسد.

در نهایت باید اذعان کرد که مسیر توافق نه هموار است و نه کوتاه. مذاکرات عمان بیش از آنکه نقطه پایان باشد، نقطه شروعی برای تعریف دوباره خطوط تماس میان تهران و واشنگتن است. موفقیت این روند، بیش از هر چیز، به توان دو طرف در تبدیل گفت‌وگو به مذاکره ساختاریافته، و از آن مهم‌تر به اراده سیاسی برای پذیرش سازش‌های دردناک اما ضروری بستگی دارد. در غیر این صورت، فضای مثبت کنونی نیز می‌تواند به سرعت جای خود را به چرخه‌ای دیگر از تنش و بی‌اعتمادی بدهد؛ چرخه‌ای که هزینه‌های آن، نه فقط برای دو دولت بلکه برای کل منطقه و مردم ایران سنگین خواهد بود.

ادامه تیتیریک

چرا بازداشت؟



سیدحسین مرعشی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران، در واکنش به برخوردهای امنیتی و قضایی با چهره‌های اصلاح‌طلب، گفت: «کشور سرفراز و عزیزمان ایران و مردم زجر کشیده و سختی کشیده و تا حدی گرفتار در چنبره کینه‌توزی‌ها و دشمنی‌های خارجی و سوءتدبیرهای داخلی یکی از حساس‌ترین دوره‌های تاریخی خود را طی می‌کند. ما با دو دشمن خطرناک مواجه هستیم؛ یکی دولت ترامپ و دیگری تائیان‌هو. در حال حاضر بیشترین لشکرکشی به خاورمیانه و منطقه دریای عمان و اقیانوس هند را از سوی آمریکا شاهد هستیم؛ لشکرکشی‌ای که تا امروز هیچ‌وقت نظیرش را ندیده بودیم. اسرائیل نیز در جنگ ۱۲ روزه نشان داد که به نابودی ایران و تجزیه آن امید بسته و در موضع‌گیری‌های رسمی آنان نیز این هدف محرز است».

مرعشی در ادامه تأکید کرد: «در مقابل چنین آرایش نظامی در مخالفت با دولت و ملت ایران، ما با یک‌سری مشکلات داخلی در حوزه‌های مختلف اقتصاد، سیاست داخلی و اجتماعی نیز مواجه هستیم که منجر به اعتراضات مردمی شده‌اند. اعتراضاتی که هم دشمنان خارجی علاقه‌مند بوده‌اند که از این اعتراضات بهره ببرند و تا امروز نیز از آن بی‌بهره نبوده‌اند و هم تحریرات بیرونی و انتظارات موجود در بین جوانان باعث شد، فراخوان‌هایی برای حضور شبانه در خیابان‌ها شکل بگیرد و خشونت‌هایی روی دهد که شامل حمله به فرمانداری‌ها، استانداری‌ها، شهرداری‌ها، بانک‌ها و پایگاه‌های نیروی انتظامی و نظامی بود. متأسفانه این حوادث، زخمی عمیق و غیرقابل جبران بر پیکره جامعه وارد کرده که سال‌ها زمان می‌برد تا بتوان از آثار آن کاست. جامعه نیز از جهت تفسیر و تأویل این حوادث دچار اختلاف‌نظرهای عمیق شده است. گروهی همه آنچه اتفاق افتاده را به دشمن خارجی، اسرائیل و آمریکا منتسب می‌کنند، درحالی که عده‌ای دیگر، سنگینی این فضا را نتیجه اقدامات نیروهای مسلح می‌دانند. این یک برداشت از سیمای موجود ایران است».

وی افزود: «در این فضای پر از درد و غم و رنج و تهدید و غبار آلود، هم‌زمان شکاف جدیدی نیز بین سیاسیون اصلاح‌طلب و نظام جمهوری اسلامی ایجاد شده که منتهی به این شده که تعدادی از کادر مرکزی جبهه اصلاحات که اساساً تا امروز پایبند به اصلاح امور و دوری از خشونت بوده توسط نهادهای امنیتی بازداشت شده‌اند و سبب شده که طی روزها و شب‌های اخیر یک موضوع به موضوعات حل نشده کشور اضافه شود».

دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران تأکید کرد: «آنچه که قصد دارم به‌عنوان یک نگاه ملی و از سر اعتقاد بر آن تأکید کنم این است که چه سیاسیون اصلاح‌طلب، چه سایر سیاسیون، حتی آنهایی که از نظام جمهوری اسلامی عبور کرده‌اند، چه مردم زخم‌خورده از حوادث اخیر، چه مردمی که از فشار اقتصادی رنج می‌برند و چه کسانی که بدون قید و شرط از نظام حمایت می‌کنند و مهم‌تر از مردم و سیاسیون، نهادهای حاکمیتی، نهادهای امنیتی، دولت، مجلس، قوه قضائیه، وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران، همه باید در خدمت ایران باشند و فقط به یک هدف فکر کنند: حفاظت از کشور در برابر تهدیدات خارجی و جلوگیری از اینکه آمریکا و اسرائیل بخواهند به کبان کشور لطمه‌ای وارد کنند».

مرعشی مقطع کنونی را بسیار حساس تلقی کرد و افزود: «امروز روز هیچ گله و گلایه‌ای نیست، روز کشمکش و جدایی بین دولت و ملت نیست؛ امروز روزی است که باید برای دفع شر آمریکا و اسرائیل متحد باشیم، باید سعه‌صدر و گذشت داشته باشیم. از سیاسیون اصلاح‌طلب در جبهه اصلاحات انتظار نمی‌رود با لحن و زبانی سخن بگویند که معنی و مفهومش جدایی از دولت و جدایی از نظام جمهوری اسلامی است و در سمت نظام جمهوری اسلامی هم باید اقتدر سعه‌صدر وجود داشته باشد که اگر در جبهه اصلاحات هم چنین موضع‌گیری شده، اختلاف‌نظرها منجر به بازداشت و

پرونده‌سازی نشود. مگر قوه قضائیه و نهادهای اطلاعاتی نمی‌توانند با اصلاح‌طلبان بنشینند و گفت‌وگو کنند؟ چرا باید به سمتی برویم که به مشکلات کشور اضافه شود؟ لذا من معتقدم امروز همه باید برای ایران در صحنه باشیم. زمان، زمان همراهی و همکاری، با وجود اختلاف‌نظرهای شدید است، برای حفظ ایران و عبور از خطر حمله و تهاجم آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها به کشور. این وظیفه همه ماست که دست‌های یکدیگر را بفشاریم و برای ایران گام برداریم».

وی به‌عنوان نکته آخر تأکید کرد: «با صراحت و با صدای بلند خدمت همه دوستان اصلاح‌طلب و همه نهادهای امنیتی که امروز نسبت به موضع‌گیری‌های جبهه اصلاحات دچار تردید هستند؛ اعلام می‌کنم که جبهه اصلاحات ایران تحت هدایت و افکار آقای سیدمحمد خاتمی به فعالیت‌های خود ادامه خواهد داد و هیچ‌یک از امور و هیچ‌یک از سختی‌های مسیر، موجب توقف فعالیت‌های سیاسی اصلاح‌طلبان، فراموش کردن مردم یا کناره‌گیری آنان از مسائل اصلی ایران نخواهد شد. ما می‌مانیم برای اصلاح ایران. امروز با دولت برای مقابله با تهدید خارجی متحد می‌مانیم و پس از رفع تهدید خارجی، مصمم خواهیم بود با همکاری فراگیر شخصیت‌های مؤثر کشور، پروسه اصلاحات را پیگیری کنیم تا از فشارها بر زندگی مردم بکاهیم، مسیر توسعه ایران و زندگی شرافتمندانه مردم ایران را فراهم کنیم و درنهایت، مسیر تحقق حقوق ملت، که در قانون اساسی به آن فصل مفصل اشاره شده است، فراهم شود».

بازداشت و احضار اعضای جبهه اصلاحات ایران

بازداشت‌ها، شامگاه یک‌شنبه با بازداشت آذر منصوری، رئیس جبهه اصلاحات ایران، ابراهیم اصغرزاده و محسن امین‌زاده آغاز شد. خبرگزاری فارس در گزارشی مدعی شد این افراد توسط نهادهای امنیتی و قضایی بازداشت شده‌اند و اتهامات آنان را «هدف‌گیری انسجام ملی، موضع‌گیری علیه قانون اساسی، هماهنگی با تبلیغات دشمن، ترویج تسلیم‌طلبی، انحراف گروه‌های سیاسی و ایجاد سازوکارهای مخفی براندازانه» عنوان کرد. فارس به نقل از یک مقام آگاه نوشت که با وجود «تحمل مواضع انتقادی پیشین» به دلیل «تداوم فعالیت‌های ضدامنیتی این حلقه» برخورد قانونی با آنان صورت گرفته است. در همین رابطه، حجت کرمانی که وکالت آذر منصوری، ابراهیم اصغرزاده و محسن امین‌زاده را برعهده دارد، اعلام کرد این سه نفر یک‌شنبه‌شب بازداشت و هم‌زمان محسن آرمین، نایب‌رئیس جبهه اصلاحات، بدرالسادات مفیدی و فیض‌الله عرب‌سرخی نیز احضار شده‌اند. کانال روزنامه شرق هم در همین رابطه خبر داد که مأموران با مراجعه به منازل محسن آرمین و بدرالسادات مفیدی از آنها خواسته‌اند روز سه‌شنبه به دادسرای اوین مراجعه کنند و برای فیض‌الله عرب‌سرخی نیز ابلاغیه حضور در دادسرا صادر شده است. کرمانی در گفت‌وگو با ایلنا درباره بازداشت آذر منصوری تأکید کرد که موکلش توسط ضابطان قضایی بازداشت شده اما دلیل بازداشت هنوز به او اعلام نشده و مشخص نیست که وی به کجا منتقل شده است. به گفته این وکیل، آذر منصوری پس از بازداشت هیچ تماس تلفنی با خانواده یا وکیل نداشته است. او همچنین تصریح کرد، پرونده مربوط به احضار اعضای هیأت‌رئیسه جبهه اصلاحات در ماه‌های گذشته که به بیانیه این جبهه پس از جنگ ۱۲ روزه مربوط بوده، مسیر قضایی خود را طی می‌کند و به نظر نمی‌رسد، بازداشت اخیر ارتباطی با آن پرونده داشته باشد.

پس از این بازداشت‌ها، صبح روز بعد جواد امام، سخنگوی جبهه اصلاحات و دبیرکل مجمع ایثارگران نیز بازداشت شد. خبرگزاری فارس گزارش داد، جواد امام توسط نهادهای امنیتی و قضایی بازداشت شده است. کرمانی، که وکالت جواد امام را نیز برعهده دارد در این باره گفت، مأموران در ساعات اولیه صبح با مراجعه به منزل موکلش و بازرسی کامل خانه، وی را بازداشت و با خود برده‌اند.

در ادامه این سلسله برخوردها، خبرگزاری فارس ظهر روز گذشته از بازداشت حسین کروی نیز خبر داد و مدعی شد، وی «عامل تحریک‌کننده، تدوین‌کننده و منتشرکننده» بیانیه اخیر مهدی کروی بوده و این بیانیه را «ساختارشکنانه» توصیف کرد. فارس همچنین ادعا کرد، حسین کروی از «مرتبطین شبکه‌های ضدانقلابی» ازجمله سهام‌نیز، تحکیم ملت و برخی «عناصر برانداز خارج از کشور» است. محمد جلیلیان، وکیل حسین کروی در گفت‌وگو با ایسنا اعلام کرد موکلش پس از احضار به دادسرای رسانه و فرهنگ بازداشت شده و عنوان کرد که اتهام اعلامی علیه او «جرایم سیاسی و امنیتی» است. شب گذشته همچنین خبر احضار فرح کیججانی، عضو هیات رئیسه جبهه اصلاحات ایران و دبیرکل مجمع فرهنگیان ایران اسلامی توسط سازمان اطلاعات سپاه نیز منتشر شد.

خبرگزاری میزان نیز شب گذشته از اجرا شدن احکام پرونده‌های قضایی علی شکوری‌راد، قربان بهزادیان‌زاد و حسین کروی که از سوی دادگاه تجدیدنظر تأیید شده بود، خبر داد و نوشت که «با دستور مقام قضایی، محکومان مورد اشاره طی روزهای اخیر بازداشت و برای تحمل حبس به زندان معرفی شدند».

اتهام‌های کلی و کلیواژه‌های آشنا

هم‌زمان با اولین بازداشت‌ها، خبرگزاری فارس در گزارشی مجزا و بدون نام بردن از افراد بازداشت‌شده از «بازداشت چند عضو حلقه برانداز همسو با دشمن» سخن گفت و مدعی شد، حلقه‌ای از «عناصر رادیکال» که به ادعای این خبرگزاری «در حال تحریک فضای اجتماعی و سیاسی کشور از طریق اتهام‌زنی و انتشار مواضع خلاف واقع علیه نظام و تخریب ثبات و انسجام ملی بوده‌اند» در عملیات مشترک سازمان اطلاعات سپاه و وزارت اطلاعات بازداشت شده‌اند. منبع آگاه مورد استناد فارس مدعی شده که این افراد «با هم‌صدایی با دشمن و هم‌زمان با تشدید تهدیدات آمریکا و رژیم صهیونیستی از طریق صدور بیانیه‌های ساختارشکن در پی فراهم کردن زمینه تحریک نیروهای سیاسی و اجتماعی درون نظام به اقدامات غیرقانونی و ساختارشکن بوده‌اند» و به همین دلیل با دستور مقام قضایی تحت رصد و کنترل اطلاعاتی قرار گرفته‌اند؛ به‌طوری که تعدادی از آنان بازداشت و تعدادی دیگر برای ارائه توضیحات احضار شده‌اند. این منبع آگاه همچنین تصریح کرده که با تکمیل تحقیقات و رفع ملاحظات دستگاه‌های امنیتی، زوایای دیگری از اقدامات این حلقه در آینده اطلاع‌رسانی خواهد شد.

اما در واکنش به این بازداشت‌ها، حزب اتحاد ملت ایران اسلامی با صدور بیانیه‌ای، بازداشت آذر منصوری دبیرکل این حزب و دیگر فعالان سیاسی اصلاح‌طلب را موجب «شگفتی و تأسف عمیق» دانست و در بخشی از این بیانیه با انتقاد از برخی رویکردها و سیاست‌ها که موجب تعمیق دوقطبی‌ها و زمینه‌ساز سوء استفاده‌ها شده، ادامه این رویکردها را موجب تکرار بحران توصیف کرده است. حزب اتحاد ملت با ابراز این عقیده که جامعه در یک سوگ ملی به‌سر می‌برد، خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط آذر منصوری و دیگر افراد بازداشت شده از جبهه اصلاحات و همه زندانیانی که آنها را سیاسی خوانده، شده و بر ضرورت پایان دادن به فضای تهدید، فشار و پرونده‌سازی علیه فعالان سیاسی و مدنی تأکید کرده است. مجموعه این بازداشت‌ها و احضارها، آن هم در شرایطی که عالی‌ترین مقام اجرایی کشور از گفت‌وگو، مدارا و شنیدن صدای منتقدان سخن می‌گوید و در شرایطی که به گفته دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران، کشور بیش از هر زمان دیگری به اتحاد و انسجام نیازمند است، پرسش‌هایی جدی درباره نسبت میان وعده‌های سیاسی و رویه‌های امنیتی ایجاد کرده است؛ پرسش‌هایی که پاسخ به آنها، با شفافیت حقوقی و احترام به حقوق شهروندی و پرهیز از به کار بردن کلیواژه‌های کلی ممکن خواهد بود.

سوخت ته کشید

وضعیت معیشتی و اقتصادی کوبا به فروپاشی رسید

گروه بین‌الملل: دولت کوبا در حال حاضر در حساس‌ترین نقطه بحران خود از زمان انقلاب ۱۹۵۹ قرار دارد، بحرانی که با یک کسری کامل انرژی مشخص می‌شود؛ وضعیتی که فراتر از کمبود مزمن سوخت در دهه‌های گذشته، اکنون به یک فلج سیستماتیک در تمام بخش‌های اقتصادی و اجتماعی کشور تبدیل شده است. به تاریخ ۹ فوریه ۲۰۲۶ دولت کوبا رسماً به خطوط هوایی بین‌المللی اعلام کرد که ذخایر سوخت جت به اتمام رسیده و براساس اطلاعیه‌ها، تأمین سوخت برای تمام هواپیماها در فرودگاه‌های کوبا متوقف شده است. این اقدام بی‌سابقه، زنگ خطری برای بخش‌های مختلف اقتصادی، خدماتی و اجتماعی کشور محسوب می‌شود و نشان می‌دهد که بحران انرژی کوبا از مرحله کمبود گذشته و وارد مرحله‌ای بحرانی و تهدیدکننده فروپاشی شده است.

این وضعیت از سوی تحلیلگران داخلی و بین‌المللی به عنوان یک «محاصره انرژی» توصیف شده است؛ نتیجه مستقیم فشارهای اقتصادی و توقف کامل ارسال نفت از سوی هم‌پیمانان سنتی مانند ونزوئلا پس از تحولات سیاسی اخیر در این کشور. علاوه بر این، تهدید دولت ایالات متحده مبنی بر اعمال تعرفه و تحریم علیه کشورهایی که نفت به کوبا می‌فروشند، شرایط را پیچیده‌تر کرده و دسترسی هوانا به بازارهای انرژی بین‌المللی را

عملاً مسدود کرده است. تولید داخلی سوخت در کوبا که تنها حدود ۳۰ درصد از نیاز کل کشور را تأمین می‌کند، محدود به نفت سنگین با گوگرد بالاست. این نوع سوخت با تجهیزات قدیمی نیروگاه‌ها سازگاری ندارد و مصرف آن منجر به خاموشی‌های گسترده و ناپایداری شبکه برق شده است. تحلیلگران هشدار می‌دهند که ادامه این روند می‌تواند، شبکه انرژی کشور را به‌طور کامل از کار بیندازد و توان تولید صنعتی، حمل و نقل و خدمات عمومی را به‌شدت محدود کند.

کمبود سوخت محدود به برق و تولید انرژی نیست؛ بلکه تأثیر گسترده‌ای بر حمل و نقل، آموزش و اقتصاد کشور گذاشته است. در هوانا، پایتخت و بزرگ‌ترین شهر کشور، حمل و نقل عمومی تقریباً متوقف شده و مردم برای جابه‌جایی در شهر با مشکلات جدی روبه‌رو هستند. در واکنش به این بحران، دولت ناچار به اعمال دورکاری گسترده و تعلیق فعالیت‌های آموزشی شده است، اقدامی که تأثیر مستقیم بر کیفیت تحصیل و دسترسی دانش‌آموزان به آموزش دارد. بخش گردشگری، که یکی از آخرین منابع ورود ارز سخت به کشور و نقطه امید اقتصادی برای دولت محسوب می‌شود با بحران شدیدی مواجه شده است. لغو یا تغییر مسیر پروازها، کاهش چشمگیر تعداد گردشگران خارجی و تعطیلی موقت

دیپلماسی

دو سفر معنادار

لاریجانی در عمان؛ نتانیاهو در آمریکا

ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

سفر علی لاریجانی به مسقط در این مقطع حساس، فراتر از یک مأموریت دیپلماتیک معمولی یا جابه‌جایی در نقشه پرپیچ‌وخم سیاست منطقه‌ای است؛ این سفر را می‌توان نشانه‌ای از آغاز مرحله‌ای تازه، شاید سرنوشت‌ساز، در شطرنج پیچیده روابط ایران و غرب دانست؛ مرحله‌ای که نه‌تنها پرورنده هسته‌ای بلکه کلیت معادلات قدرت در خاورمیانه را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. انتخاب

عمان به‌عنوان میزبان این گفت‌وگوها نیز حامل پیام‌های نمادین و عملیاتی مهمی است. مسقط طی دهه‌های گذشته بارها نقش «پل ارتباطی» میان تهران و واشنگتن را ایفا کرده و توانسته در لحظات بحرانی، کانالی کم‌حاشیه اما مؤثر برای تبادل پیام‌های حساس ایجاد کند. همین سابقه باعث شده که عمان بار دیگر به صحنه‌ای تبدیل شود که در آن، طرفین می‌توانند بدون فشارهای رسانه‌ای و هیجانات سیاسی درباره مسائل بنیادین گفت‌وگو کنند.

حضور لاریجانی در رأس این هیأت، آن هم با اختیاراتی که به‌نظر می‌رسد از سطوح عالی نظام به او تفویض شده، نشانه‌ای از تغییر رویکرد تهران نسبت به دوره‌های پیشین

مذاکرات است. در واقع، انتخاب یک چهره باسابقه که سال‌ها در شورای‌عالی امنیت ملی نقش‌آفرینی کرده و به پیچیدگی‌های دیپلماسی هسته‌ای و چانه‌زنی‌های چندلایه با قدرت‌های جهانی آشناست، نشان می‌دهد که ایران قصد دارد از مرحله پیام‌رسانی و گفت‌وگوهای مقدماتی عبور کرده و وارد فاز عملیاتی برای دستیابی به توافقی مشخص شود. لاریجانی به خوبی می‌داند که نقطه ضعف اصلی هر توافق احتمالی، موضوع تحریم‌ها و تضمین‌های اجرایی است؛ به همین دلیل تمرکز مأموریت او بر «رفع تضمین شده تحریم‌ها» و ایجاد سازوکاری پایدار برای جلوگیری از بازگشت آنها در آینده تعریف شده است. این رویکرد، در صورت تحقق، می‌تواند معادلات اقتصادی و سیاسی ایران را به شکلی بنیادین تغییر دهد.

همزمان با فرود هواپیمای هیأت ایرانی در مسقط، در آن سوی جهان و در واشنگتن نیز تحركات موازی در جریان است. جلو انداختن سفر بنیامین نتانیاهو به آمریکا، به‌ویژه در این مقطع زمانی، بیش از آنکه یک برنامه‌ریزی معمولی باشد، نشانه‌ای از نگرانی و تلاش برای تأثیرگذاری فوری بر روند دیپلماسی است. نخست‌وزیر اسرائیل که همواره هرگونه توافق با ایران را تهدیدی برای امنیت ملی خود معرفی کرده به‌خوبی دریافته است که گفت‌وگوهای مسقط می‌تواند به چارچوبی منجر شود که بدون در نظر گرفتن مطالبات حداکثری تل‌آویو بر محور هسته‌ای و



کرده است. موج گسترده مهاجرت طی سال‌های گذشته، خروج درصد زیادی از نیروی کار جوان و ماهر را در پی داشته و ظرفیت بازسازی و مدیریت بحران را به شدت محدود کرده است. وقتی دولت نمی‌تواند خدمات اولیه مانند برق، آب و غذا را به شهروندان ارائه دهد، قرارداد اجتماعی بین مردم و حاکمیت آسیب جدی می‌بیند و ریسک بی‌ثباتی سیاسی افزایش می‌یابد. بدون بازگشت سریع واردات سوخت یا تغییرات عمده در معادلات ژئوپلیتیک، کوبا با فروپاشی داخلی در بخش‌های لجستیک، خدمات عمومی و اقتصاد کلان مواجه خواهد شد. این سناریو می‌تواند به یک انتقال بی‌نظم قدرت، افزایش مهاجرت گسترده و وخامت شدید شرایط انسانی منجر شود، وضعیتی که نه تنها امنیت داخلی کشور بلکه ثبات منطقه‌ای کارائیب را نیز تحت‌تأثیر قرار خواهد داد.

آمریکا

پست تحریک آمیز ترامپ

کشورهایی که به آمریکا اضافه شدند!

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا یک تصویر دستکاری شده قدیمی از دیدار خود با رهبران اروپایی را بار دیگر در فضای مجازی بازنشر کرده است اما این بار نقشه‌ای به این تصویر اضافه شده که یادآور تمایلات

استعماری رئیس‌جمهور آمریکاست.

این تصویر که اولین بار ماه‌ها پیش طی دیدار رئیس‌جمهور آمریکا با رهبران اروپایی در کاخ سفید منتشر شد، نقشه خطوط مقدم در جنگ اوکراین و روسیه را نشان می‌داد اما کمی بعد، ترامپ نسخه‌ای دستکاری شده از آن را بازنشر کرد که به‌جای نقشه اوکراین، نقشه قاره آمریکا دیده می‌شد. در این نقشه، علاوه بر خاک کنونی آمریکا، کشورهای کانادا و ونزوئلا همچنین جزیره خودگردان گرینلند نیز به‌عنوان بخشی از خاک ایالات متحده نمایش داده شده بود!

در شامگاه یک‌شنبه، ترامپ بار دیگر این تصویر دستکاری شده را در شبکه اجتماعی خود به نام «تروث سوشال» منتشر کرد، اقدامی که یادآور تمایلات وی به کشورگشایی و اعمال زور برای تصرف منابع همسایگان آمریکاست. سال گذشته نیز وزارت کشور دولت ترامپ اعلام کرد که نام خلیج مکزیک را رسماً به خلیج آمریکا و قله دنالی در آلاسکا را به کوه مک کینلی تغییر داده است.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، ساعاتی پس از روی کار آمدن در روز ۲۰ ژانویه، دستور این تغییر نام را به‌عنوان بخشی از مجموعه اقدامات اجرایی داد و به وعده انتخاباتی خود عمل کرد. قله بلند آلاسکا قبلاً به افتخار «ویلیام مک کینلی» رئیس‌جمهور پیشین ایالات متحده آمریکا، کوه مک کینلی نامیده می‌شد اما در سال ۱۹۷۵ به درخواست ایالت آلاسکا به دنالی (به‌معنای بلند در زبان بومی) تغییر نام یافت. وزارت کشور دولت ترامپ اعلام کرد: «این تغییرات تعهد ملت به حفظ میراث شگفت‌انگیز ایالات متحده و اطمینان از اینکه نسل‌های آینده آمریکایی‌ها میراث قهرمانان و دارایی‌های تاریخی آن را جشن می‌گیرند، مجدداً تأکید می‌کند».



بسیاری از هتل‌ها و مراکز تفریحی، درآمدهای ارزی کوبا را به شدت کاهش داده است. این موضوع نه‌تنها فشار اقتصادی بر دولت را افزایش داده بلکه امنیت شغلی هزاران نفر در این بخش را نیز به خطر انداخته است. از منظر اجتماعی، بحران سوخت اثرات مستقیم بر زندگی روزمره مردم دارد. قطعی‌های طولانی برق و کاهش خدمات عمومی شامل آب، جمع‌آوری زباله و خدمات بهداشتی، شرایط معیشتی را به‌شدت دشوار کرده و منجر به افزایش خستگی جسمی و روانی شهروندان شده است. سازمان ملل متحد در تازه‌ترین گزارش خود هشدار داده که خطر «فروپاشی انسانی» در کشور وجود دارد و اگر اقدام فوری صورت نگیرد، وضعیت انسانی می‌تواند در کوتاه‌مدت بحرانی‌تر شود.

بحران انرژی همچنین اعتماد عمومی به دولت را تضعیف

و تثبیت حق بهره‌برداری صلح‌آمیز از فناوری هسته‌ای است؛ هدفی که بدون آن، چشم‌انداز توسعه اقتصادی و ثبات داخلی با چالش‌های جدی مواجه خواهد شد. در مقابل، محور مخالف به رهبری اسرائیل تلاش می‌کند، موضوع ایران را در قالب یک تهدید چندبعدی بازتعریف کند تا هرگونه توافق محدود به هسته‌ای را ناکافی و حتی خطرناک جلوه دهد. این اختلاف نگاه، دولت آمریکا را نیز در موقعیتی پیچیده قرار داده است؛ از یک‌سو فشار لابی‌های داخلی و متحدان منطقه‌ای برای اتخاذ موضع سخت‌گیرانه‌تر وجود دارد و از سوی دیگر، تمایل به کاهش تنش‌ها و جلوگیری از درگیری نظامی پر هزینه نیز مطرح است.

نقش عمان در این میان صرفاً به میزبانی مذاکرات محدود نمی‌شود. مسقط در سال‌های اخیر توانسته است، اعتماد نسبی هر دو طرف را جلب کند و به بستری امن برای انتقال پیام‌های حساس تبدیل شود. انتظار می‌رود، لاریجانی در دیدارهای خود با مقامات عمانی بر جدیت تهران در دستیابی به یک توافق عادلانه تأکید کرده و در عین حال خطوط قرمز ایران را نیز به‌صراحت تشریح کند. عمان نیز با توجه به جایگاه ویژه خود در دیپلماسی منطقه‌ای، می‌تواند این پیام‌ها را به واشنگتن منتقل کرده و به کاهش سوءتفاهم‌ها کمک کند. در شرایطی که منطقه با بحران‌های متعدد از جنگ‌های نیابتی تا تنش‌های انرژی مواجه است، موفقیت یا شکست این مأموریت می‌تواند تأثیرات زنجیره‌ای بر ثبات خاورمیانه داشته باشد.

اگر دیپلماسی مسقط بتواند بر کارشکنی‌های احتمالی و فشارهای واشنگتن-تل‌آویو غلبه کند، احتمال شکل‌گیری یک چارچوب توافقی جدید وجود دارد که می‌تواند، سطح تنش‌ها را به‌طور محسوسی کاهش دهد. چنین سناریویی نه‌تنها برای ایران و آمریکا بلکه برای بازارهای انرژی، امنیت منطقه‌ای و حتی روابط قدرت‌های جهانی نیز نتایج مهمی خواهد داشت. اما در صورت ناکامی این تلاش‌ها، احتمال بازگشت به چرخه تشدید تحریم‌ها، افزایش تنش‌های نظامی و بی‌ثباتی گسترده‌تر در منطقه دور از انتظار نیست.

در نهایت، تقابل این دو دستورکار متفاوت در مسقط و واشنگتن را باید بازتابی از جدال بزرگ‌تری بر سر شکل‌دهی به نظم آینده خاورمیانه دانست. سفر لاریجانی به عمان، تلاشی است برای اثبات اینکه ایران می‌تواند از مسیر گفت‌وگو و در چارچوب احترام متقابل به حقوق قانونی خود دست یابد و از سایه تحریم و جنگ عبور کند. در مقابل، سفر نتانیاهو به آمریکا، نماد مقاومت در برابر هرگونه تغییر در وضعیت موجود است؛ وضعیتی که در آن فشار حداکثری ابزار اصلی مهار ایران باقی مانده است. زمانی که لاریجانی پشت میز مذاکره در مسقط می‌نشیند، تنها سرنوشت پرورنده هسته‌ای در میان نیست؛ بلکه اعتبار دیپلماسی به عنوان ابزاری برای حل بحران‌های پیچیده نیز به آزمون گذاشته می‌شود. نتایج این رفت‌وآمدهای دیپلماتیک در روزها و هفته‌های آینده نشان خواهد داد که آیا منطقه به سوی ثباتی نسبی حرکت می‌کند یا بار دیگر، تدریجاً و لایه‌ای فشار موفق خواهند شد، مسیر توافقی را مسدود کرده و خاورمیانه را در مسیر تنش و بی‌ثباتی نگاه دارند.



رویکردی می‌تواند، مذاکرات را به بن‌بست بکشاند زیرا افزودن این موضوعات به دستورکار، پیچیدگی‌ها و خطوط قرمز متعددی ایجاد می‌کند که رسیدن به توافق را دشوارتر می‌سازد. در مقابل ایران بر این باور است که تمرکز بر پرورنده هسته‌ای و تحریم‌ها، واقع‌بینانه‌ترین و عملی‌ترین مسیر برای کاهش تنش‌ها و باز کردن گره‌های اقتصادی است.

از منظر تحلیلگران بین‌المللی، ورود مستقیم لاریجانی به این عرصه، نشانه‌ای از بازنگری در تاکتیک‌های مذاکراتی تهران است. تفویض اختیار به یک نماینده متمرکز به‌معنای کاهش پراکندگی در پیام‌ها و تصمیم‌گیری‌هاست و به طرف مقابل این سیگنال را می‌دهد که توافق احتمالی از پشتوانه سیاسی و اجرایی برخوردار خواهد بود. این اقدام، پاسخی عملی به ادعای دیرینه غرب مبنی بر وجود مراکز متعدد تصمیم‌گیری در ساختار قدرت ایران است. اکنون با حضور چهره‌ای که حامل پیام و اراده سطوح عالی حاکمیت است، فضای تردید و بهانه‌جویی برای تعلل در تصمیم‌گیری‌های سخت کاهش می‌یابد و مسیر برای توافقی مشخص‌تر هموار می‌شود.

در لایه‌ای عمیق‌تر، این تحولات را می‌توان نبردی بر سر تعیین «اولویت‌ها» در خاورمیانه دانست. برای تهران، اولویت اصلی در شرایط کنونی، کاهش فشار اقتصادی ناشی از تحریم‌ها

گزارش: نشر

کتاب هر روز گران‌تر از دیروز

روایت دو ناشر از تأثیر حذف ارز ترجیحی بر صنعت نشر

تأثیر تک‌نرخی شدن ارز و به‌تبع آن حذف ارز ترجیحی کاغذ بر نشر کتاب، موضوعی است که این روزها به دغدغه اصلی ناشران تبدیل شده و فضای نشر را تحت‌تأثیر قرار داده است.

یک بازار آشفته و بی‌سروته



لیما صالح رامسری، مدیر نشر معین در گفت‌وگو با ایسنا درباره تأثیر تک‌نرخی شدن ارز بر نشر کتاب با تأکید بر این‌که این انتشارات سال‌هاست کاغذ دولتی دریافت نکرده و کتاب‌های خود را با کاغذ آزاد منتشر می‌کند، گفت: «دولت از ابتدا نباید وارد این موضوع می‌شد؛ بعد از تغییر دولت‌ها هم سیاست‌های خرید کتاب و نحوهٔ تخصیص کاغذ تغییر کرد؛ مثلاً از برخی از ناشران کتاب می‌خریدند و کاغذ را هم به همه ناشران نمی‌دادند. نشر ما اصلاً کاغذ دولتی نمی‌گرفت، در واقع تکلیف خودمان را مشخص کرده بودیم و کاغذ را با ارز آزاد می‌خریدیم. هم‌چنان هم کاغذ آزاد می‌خریم و زمانی که قیمت کاغذ بالا می‌رود طبیعتاً قیمت کتاب نیز بالا می‌رود. تصور کنید چاپ اول کتاب «بقچه» هوشنگ مرادی‌کرمانی را با کاغذ آزاد با قیمت ۷۰۰ هزار تومان چاپ کردیم. بعد از ۳ سال، هر جلد آن ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان شده است؛ زمان انتشار آن کاغذ را با بندی ۲ میلیون و ۴۵۰ هزار تومان خریده بودم. حالا کاغذ بندی ۳ میلیون تومان شده است، نمی‌توانم کتاب را با قیمت قبل به بازار عرضه کنم، پس مجبورم کتاب را به قیمت ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان افزایش دهم. در نهایت دود این کار به چشم خواننده می‌رود و تیراژ کتاب پایین می‌آید.»

رامسری با اشاره به این‌که نرخ کاغذ وابستگی تنگاتنگی به نرخ ارز دارد و با افزایش قیمت دلار قیمت کاغذ نیز افزایش پیدا می‌کند، بیان کرد: «اما کاغذفروش این را در نظر نمی‌گیرد که شش ماه پیش با دلار ۱۱۰ تومانی کاغذ را وارد کرده، امروز همان کاغذ را با دلار ۱۶۰ هزار تومان به من ناشر می‌فروشد. فقط کاغذ هم نیست. با افزایش قیمت‌ها چسب گران می‌شود، مقوا گران می‌شود، فیلم و زینک هم گران می‌شود، همه مانند مهرهای دومینو با هم در ارتباط هستند. ناشر چه باید بکند؟ من ناشر مجبور می‌شوم تیراژ کتاب را پایین بیاورم و قیمت را افزایش دهم، چاره‌ای جز این ندارم. برخی از ناشران، کتابی را که شش ماه پیش چاپ کرده بودند برجسب (لیبل) زده و قیمتش را تغییر می‌دهند. در یک بازار آشفته و بی‌سروته گرفتار شده‌ایم.

او دربارهٔ این‌که برای تغییر وضعیت چه می‌شود کرد، گفت: «این مسئله را ناشر نمی‌تواند تعیین کند بلکه دولت باید وارد این مسئله شده و آن را درست کند، زیرا کاغذ از مجاری دولتی وارد می‌شود و دولت باید آن را حل کند.» صالح رامسری هم‌چنین دربارهٔ پیش‌بینی‌اش برای نمایشگاه کتاب تهران نیز گفت: «به سهم خودم می‌گویم در نمایشگاه شرکت نمی‌کنم زیرا برای حضور در نمایشگاه باید کتاب داشته باشم. الان ۴۲ عنوان کتاب چاپش تمام شده است اما با این وضعیت کاغذ، نمی‌توانم آن‌ها را تجدید چاپ کنم. نمونه‌اش کتاب هفت‌جلدی «یادداشت‌های اسدالله علم» است که کاغذ بسیاری می‌خواهد. واحد فروش هر روز اعلام می‌کند کتاب را تجدید چاپ کنید، خواهان دارد، اما نمی‌توانم چاپ کنم. اگر کاغذ بندی ۳ میلیون بگیرم باید این کتاب را ۱۰ میلیون تومان قیمت‌گذاری کنم که باز کم است. چه کسی برای یک دورهٔ کتاب حاضر است ۱۰ میلیون تومان بدهد؟ قشر کتاب‌خوان ما طبقهٔ متوسط هستند و از پس هزینه‌ها بر نمی‌آیند. آدم‌های سرمایه‌دار کتاب نمی‌خوانند.» این

ناشر درباره این‌که با این روند ممکن است چراغ نشر خاموش شود، گفت: «دارد خاموش می‌شود. خیلی از همکاران ما کار نشر را کنار گذاشته‌اند. ما در پخش کتاب نیز فعال بودیم و کتاب‌ها را با چک‌های مدت‌دار از ناشران می‌گرفتیم اما حالا ناشران چک مدت‌دار قبول نمی‌کنند، درصد تخفیف را بالا برده‌اند اما نقدی می‌گیرند یعنی من موزع هم باید به کتاب‌فروش نقدی بدهم، و خود به خود این چرخه فلج می‌شود. وقتی من ناشر بیش از ۴۰ عنوان کتابم از کتاب‌های احمد محمود و هوشنگ مرادی‌کرمانی تا کتاب «کمدی الهی» را نمی‌توانم منتشر کنم، باید چه کنم؟»

کوتاه کردن دست الیگارش‌های کاغذ



پروین صدقیان، مدیر نشر گل‌آذین هم درباره تأثیر تک‌نرخی شدن ارز بر نشر کتاب می‌گوید: «چیزی که در حال حاضر باید گفت و سال‌هاست آن را می‌گویم این است که حذف هرگونه سوبسید فرهنگی، ضربه به فرهنگ کشور است؛ به‌خاطر این‌که دوست‌داران فرهنگ و کسانی که به‌دنبال بالابردن سطح فرهنگ هستند از جمله نویسندگان، مترجمان، شاعران، روزنامه‌نگاران و ناشران و در نهایت مخاطبان کلاهای فرهنگی کم‌کم از دایره فرهنگی حذف می‌شوند. زمانی که چیزی برای عرضه نداشته باشیم، عملاً خودمان را به دست نابودی می‌سپاریم.» او با بیان این‌که صددرصد مخالف حذف یارانه فرهنگی است، گفت: «من به سیاست‌های مالی دولت کاری ندارم اما دولت باید راهکاری برای فرهنگ و کتاب و کتاب‌خوانی پیدا کند و برای مسئلهٔ کاغذ باید فکر اساسی کند. معتقدم دولت می‌تواند دست الیگارش‌های مالی را که در جهت وارد کردن کاغذ و افزایش قیمت آن هستند، کوتاه کند. دولت می‌تواند ایسن کار بکند، البته باید بتواند. با گران شدن قیمت کاغذ، قیمت‌های جاری تولید کتاب بالا رفته است، بعد چطور می‌توانیم کتاب را با قیمت پایین به دست دانشجو و دانش‌آموز برسانیم؟ به‌قدری کاغذ گران شده که مجبوریم کتاب ۲۰۰ صفحه‌ای را ۵۰۰ هزار تومان قیمت‌گذاری کنیم. شما فکر کنید ۵۰۰ هزار تومان به یک کتاب ۲۰۰ صفحه‌ای بدهید، خب مخاطب ترجیح می‌دهد ۵۰۰ تومان را ۲۰۰ گرم گوشت بخرد و دیگر به مسائل فرهنگی نمی‌رسد. ۱۰ سال پیش در مصاحبه‌هایم می‌گفتم کتاب از سبد خانوار خارج شده است، الان گوشت هم از سبد خانوار خارج شده چه رسد به کتاب و محصولات فرهنگی! در این وضعیت دولت می‌آید سوبسید کاغذ را حذف می‌کند؟ اصلاً حذف شد، چه جایگزینی برای آن دارد که بتواند پاسخ‌گوی نیاز مردم و کسانی که می‌خواهند کتاب بخزند باشد؟ با این اوضاع، شغلی به نام نشر عملاً از بین می‌رود و دست‌اندرکاران نشر و کتاب چیزی برای عرضه نخواهند داشت.»

او دربارهٔ پیش‌بینی‌اش درمورد نمایشگاه کتاب سال آینده گفت: «نمایشگاه کتاب ویرینی از صنعت نشر کشور است. با همه کمی و کاستی‌ها ویرتین کار ماست و ما اگر نتوانیم در این نمایشگاه با کتاب‌های خوب، با کتاب‌های مورد علاقه مردم بدرخشیم، ویرتین نشر کشور خراب می‌شود و از بین می‌رود. هرکسی و با هر دیدی آن را نگاه کند، متوجه می‌شود ایراد از کجاست. باید تادیر نشده ایرادمان را پیدا کنیم و در رفع آن بکوشیم. ما این ویرتین را از دست نمی‌دهیم و شرکت می‌کنیم اما مجبوریم کتاب جدید نیاوریم و هرچه کتاب از قدیم مانده و داریم عرضه کنیم و ضربه اصلی این موضوع به متولیان نشر وارد می‌شود نه ناشر و مخاطبان.»

جنبش مشروطه یکی از اصیل‌ترین جنبش‌های سیاسی و فکری ایرانیان در طول تاریخ به‌شمار می‌رود. شعر فارسی و میراث گران‌سنگ آن را هم باید پرچمدار این جنبش دانست. اخیراً انتشارات مروارید کتاب «شعر و شاعری در دورهٔ مشروطه» را منتشر کرده است؛ اثری پژوهشی و تحلیلی دربارهٔ یکی از سرنوشت‌سازترین مقاطع تاریخ ادبیات ایران. در این کتاب که با ترجمهٔ بهزاد زاهدان عرضه شده، مجموعه مقالاتی از پژوهش‌گران مختلف، به‌کوشش همایون کاتوزیان و علیرضا کورنگی، گردآوری شده است. در کتاب «شعر و شاعری در دورهٔ مشروطه» تلاش شده تصویری جامع از دگرگونی شعر فارسی در بستر انقلاب مشروطه و ریشه‌ها و مقدمات این دگرگونی ارائه شود. این اثر به بررسی نقش شعر در شکل‌گیری آگاهی عمومی و گفتمان مشروطه، گذار از شعر سنتی به بیان اجتماعی و سیاسی و دگرگونی مضمون‌ها و نیز کنکاش آثار و رویکردهای شاعران شاخص این دوره می‌پردازد. در این کتاب شماری از پژوهشگران ایرانی و یکی از دانشوران غربی به شناخت و بازخوانی آثار و فعالیت‌های ادبی و هنری چند تن از چهره‌های دوره پیشامشروطه، مشروطه و پسامشروطه برآمده‌اند: ایرج میرزا، قمرالملوک وزیری، محمدعلی افراشته، اشرف‌الدین نسیم شمال، علی‌اکبر دهخدا، یغمای

جندقی، فرخی یزدی، ملک‌الشعرا بهار، میرزاده عشقی و دیگران. همایون کاتوزیان، از نویسندگان کتاب و یکی از گردآوردندگان آن در گفت‌وگو با اینا با اشاره به این‌که در چند مقاله این اثر به بخش‌هایی از ادبیات مشروطه پرداخته شده که در بررسی‌های تاریخ ادبیات مشروطه و تحقیقاتی که در این‌باره انجام شده، کمتر مورد توجه بوده‌اند، می‌گوید: «دربارهٔ ادبیات دورهٔ مشروطه کار کم نشده است. به همین جهت ما مینا را بر پژوهش‌هایی که کمتر صورت پذیرفته بود گذاشتیم. ادبیات مشروطه مهم و گسترده است و به همین دلیل به آن کم توجه نشده است، اما این درست است که معمولاً تأکید بر

جشنواره موسیقی فجر

سازهمدلی و رنج

آغاز به کار دوره چهل‌ویکم جشنواره موسیقی فجر

چهل‌ویکمین دوره جشنواره موسیقی فجر از دیروز (دوشنبه) ۱۹ بهمن آغاز شد. جشنواره‌ای که از سالال ۱۳۶۴ و با نام «جشنواره سرود و آهنگ‌های انقلابی» کارش را آغاز کرده بود، در مسیر بیش از چهار دهه زندگی، در این فصل تازه چهره‌ای متفاوت خواهد داشت.

شروع متفاوت

جشنواره موسیقی فجر با برنامه‌ای متفاوت آغاز شد. صبح روز دوشنبه جمعی از مسئولان و اهالی موسیقی و فرهنگ، به بهشت‌زهرارفته و بعد از غبارروبی مزار شهید مرتضی آوینی، برای گرامیداشت یاد درگذشتگان به قطعه هنرمندان رفتند. مهدی شفیع‌ی، معاون امور هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، بابک رضایی مدیرکل دفتر موسیقی، اسحاق شکری مدیرعامل انجمن موسیقی ایران، آرش امینی دبیر جشنواره، رضا مردانی مدیرکل هنرهای نمایشی، آیدین مهدی‌زاده مدیرکل هنرهای تجسمی، محمدحسین اسماعیلی مدیرکل دفتر توسعه آموزش‌های فرهنگی و هنری، احمد رمضی مدیر مرکز موسیقی حوزه هنری، عباس عظیمی مدیرعامل مؤسسه هنرمندان پیشکسوت، زیدالله طلوعی، محمد گلریز، بیژن بنفشه‌خواه، بیاض امیرعطایی سازنده ساز و جمعی دیگر از مدیران و هنرمندان در این مراسم حضور داشتند.

حرف‌ها و پیام‌های مدیران

«موسیقی فجر می‌تواند و باید یکی از کانون‌های این گفت‌وگو باشد؛ محلی برای شنیدن صداهای متنوع، تجربه‌های تازه و بازاندیشی در مسیر آینده موسیقی ایران... امیدوارم جشنواره چهل‌ویکم فجر گامی مؤثر در جهت ارتقای کیفیت تعمیق نگاه هنری و تقویت پیوند موسیقی و جامعه باشد». سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد متن پیامش به مناسبت آغاز جشنواره را با این جمله به پایان رساند، در حالی‌که پیش از آن گفته بود: «موسیقی نه صرفاً هنر صدا، که حافظه شنیداری یک ملت است. حافظه‌ای

آواز مدرنیته به زبان سنت

روایت همایون کاتوزیان از شعر مشروطه

کارهای چند شاعر و طنزنگار بیشتر بوده است. ولی البته هنوز هم جا برای کار بیشتر باز است.»

تفاوت طنز مشروطه با طنز کلاسیک

یکی از مقالات کتاب «شعر و شاعری در دورهٔ مشروطه» مقالهٔ کاتوزیان دربارهٔ ایرج‌میرزا است؛ مقاله‌ای با عنوان «ایرج، شاعر عشق و طنز». کاتوزیان با اشاره به این‌که در مقالات کتاب، از جمله مقالهٔ خود او دربارهٔ ایرج‌میرزا، به طنز و ادبیات طنزآمیز دورهٔ مشروطه توجهی ویژه شده است، توضیح داد: «البته به دلایلی فقط یک چهارم مقاله بنده دربارهٔ ایرج منتشر شده. از ایرج فقط یک شعر طنز که در حین انقلاب مشروطه نوشته به دست ما رسیده ولی کارهای بعدی‌اش او را بزرگ‌ترین طنزنویس فارسی در قرن بیستم کرده‌اند. ایرج چندان اهل سیاست به‌معنای اخص کلمه نبود.» کاتوزیان هم‌چنین دربارهٔ تفاوت اصلی طنز ادبی دوره مشروطه با طنز ادبی کلاسیک فارسی می‌گوید: «طنز مشروطه عموماً سیاسی‌ست و این تفاوت عمده آن با طنز کلاسیک است. مثلاً خیلی از طنزها و طنزنامه‌های عبید (درست مانند ایرج) حاوی نقد تند و تیز اجتماعی‌ست ولی از اهداف سیاسی در آن‌ها خبری نیست.»

شکل و محتوای شعر مشروطه

یکی دیگر از مقالات کتاب «شعر و شاعری در دورهٔ مشروطه» مقاله‌ای با عنوان «سرود آزادی: زنان و تقدیس شاعران دوره مشروطه» نوشتهٔ متیو سی اسمیت است. کاتوزیان با تأکید بر این‌که در مقالهٔ «سرود آزادی» به شاعران زن در عصر مشروطه پرداخته شده، در پاسخ به این سوال که آیا شعر زنان دورهٔ مشروطه به‌الحاظ ویژگی‌های ادبی و محتوایی مثل شعر مردان بوده یا تفاوت‌هایی با آن‌ها داشته، تأکید دارد: «شکل و محتوای شعر

که رنجه‌ا، شادی‌ها، آیین‌ها، رویاهای جمعی را خود ثبت و منتقل می‌کند». بابک رضایی، مدیرکل دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم به مناسبت آغاز چهل‌ویکمین دوره جشنواره موسیقی فجر در این رابطه گفت: «آثار و برنامه‌های چهل‌ویکمین دوره این جشنواره با محوریت اتحاد ملی، پرچم و ملت بزرگ ایران طراحی شده است». او در مراسم یادبودی که در بهشت‌زهرار برگزار شد، همچنین گفت: «در مقاطع دشوار تاریخی، این هنرمندان موسیقی بودند که ساز اتحاد، همدلی و همزیستی را کوک کردند. نمونه آن اجرای گروه‌های موسیقی مانند ارکستر سمفونیک تهران در برج آزادی و در زمان جنگ دوازده روزه بود و هبستگی کم‌نظیری ایجاد کرد».

حذف بخش رقابتی باربد

جشنواره فجر امسال، با تغییراتی نیز همراه بوده است. جایزه باربد که بخش مسابقه جشنواره موسیقی فجر بود، از جشنواره امسال حذف شد. جایزه باربد از سالال ۱۳۹۴ و سی‌ویکمین دوره جشنواره موسیقی فجر در ۷ گرایش و شامل ۱۶ جایزه به برگزیدگان اهدا می‌شد. در دوره اول جایزه باربد، افراد و گروه‌هایی چون اردشیر کامکار، علیرضا قربانی، هوشنگ کامکار، تهومرس پورناظری و همایون ششجریان، محمد اصفهانی، گروه دارکوب، چارتار و... موفق به دریافت جایزه شدند. با این‌حال دو دوره سی‌وچهار و سی‌وپنج (۹۷ و ۹۸) باربد از جشنواره حذف شد اما از سال ۹۹ و سی‌وششمین دوره دوباره بازگشت. آرش امینی، دبیر جشنواره موسیقی چهل‌ویکم با تأیید ایجاد تغییرات در جشنواره امسال گفت: «حذف بخش رقابتی به پیشنهاد بنده و با تصویب شورای سیاستگذاری جشنواره انجام شد و معتقدم مسابقه باید از جشنواره جدا باشد. جشنواره‌ها معمولاً بازه زمانی کوتاهی دارند و افزودن بخش‌های رقابتی، تمرکز را از موسیقی عمیق، واقعی و باکیفیت دور می‌کند؛ هر چند که در سال‌های اخیر



جشنواره فیلم فجر

گم شدن در دل تاریخ

درباره فیلم جانشین و بحران خلاقیت در سینمای جنگ

جدی درباره کیفیت روایت، شخصیت‌پردازی و تجربه احساسی مخاطب مطرح می‌کند.

غلبه تماتیک جنگ و پیامدهای روایی آن

تمرکز غالب این فیلم‌ها بر مضامین دفاع مقدس، مقاومت و قهرمانی ملی، به شکل‌گیری نوعی همسانی روایی انجامیده است. هنگامی که موضوعات مشابه بارها در قالب‌های نزدیک به‌هم بازتولید می‌شوند، خطر تبدیل روایت به الگوهای پیش‌بینی‌پذیر افزایش می‌یابد. در چنین شرایطی، فیلم به‌جای خلق تجربه‌ای تازه، در چارچوب انتظارات تثبیت‌شده مخاطب حرکت می‌کند. این الگوی تکرار‌شونده، روایت را بیشتر به بازگویی تاریخی نزدیک می‌کند تا خلق یک تجربه سینمایی پویا. نتیجه آن است که فیلم‌ها عمدتاً به انتقال پیام یا ثبت رویدادها بسنده می‌کنند، بی‌آنکه بتوانند پیچیدگی‌های انسانی یا تنش‌های درونی شخصیت‌ها را به شکلی مؤثر بازنمایی کنند. درام زمانی مؤثر است که مخاطب را در سطح احساسی و روانی درگیر کند. نبود تنش‌های ساختاری باعث می‌شود روایت حالتی گزارشی پیدا کند. در نتیجه، فیلم اگرچه اطلاعات تاریخی ارائه می‌دهد، اما تجربه‌ای هیجانی یا عاطفی خلق نمی‌کند؛ تجربه‌ای که لازمه سینمای داستان‌گو است. در جانشین همچنین خبری از تعلیق نیست.

شخصیت‌پردازی نمادین و محدودیت‌های آن

یکی دیگر از ویژگی‌های مشترک این آثار، گرایش به شخصیت‌های نمادین و تک‌بعدی است. قهرمانان صرفاً نماینده ارزش‌های ملی یا آیینی هستند و کمتر به‌عنوان انسان‌هایی با تضادهای درونی، تردیدها و پیچیدگی‌های روانی تصویر می‌شوند. این نوع شخصیت‌پردازی، ظرفیت همذات‌پنداری مخاطب را کاهش می‌دهد. سینمای دراماتیک نیازمند شخصیت‌هایی است که در مسیر روایت تغییر کنند، با بحران مواجه شوند و تصمیم‌های دشوار بگیرند. فقدان چنین فرآیندی باعث می‌شود روایت از پویایی درونی تهی شود.

اولویت فرم بصری بر غنای روایی

در بسیاری از این فیلم‌ها، تمرکز بر طراحی صحنه، جلوه‌های بصری و بازسازی محیط جنگی قابل‌توجه است. هرچند این عناصر در ایجاد باورپذیری فضایی نقش مهمی دارند، اما زمانی که جایگزین عمق روایی می‌شوند، تعادل اثر را برهم می‌زنند. سینما رسانه‌ای است که باید میان فرم و محتوا توازن برقرار کند؛ برتری بیش از حد یکی بر دیگری می‌تواند تجربه مخاطب را محدود کند. بررسی تطبیقی این دست فیلم‌ها نشان می‌دهد که شباهت‌های کلیدی آنها را می‌توان در چند محور خلاصه کرد: غلبه تم دفاع مقدس و جنگ که موجب همگرایی ساختارهای روایی می‌شود، شخصیت‌پردازی نمادین و تک‌بعدی که مانع شکل‌گیری پیچیدگی دراماتیک است.

سینمای دفاع مقدس ظرفیت بالایی برای خلق روایت‌های انسانی، چندلایه و دراماتیک دارد. با این حال، تکرار الگوهای مضمونی و روایی، همراه با تمرکز بر بازنمایی نمادین و تاریخی، باعث شده بسیاری از آثار معاصر در این حوزه از نظر ساختار درام چهار شباهت و یکواختی شوند. حرکت به سوی شخصیت‌پردازی عمیق‌تر، کشمکش‌های واقعی‌تر و دراماتیزه کردن تاریخ می‌تواند این ژانر را از بازگویی صرف وقایع فراتر برده و به تجربه‌ای سینمایی و انسانی‌تر تبدیل کند.



فرزانه متین

گروه سینما، تئاتر و تلویزیون

فیلم «جانشین» در چهل‌وچهارمین جشنواره فیلم فجر رونمایی شد؛ اثری که بود و نبودش نمی‌تواند تأثیری در کیفیت کلی مجموعه آثار ساخته سینمای دفاع مقدس داشته باشد. این فیلم نمونه‌ای آشکار از روندی است که در سال‌های اخیر در سینمای رسمی جشنواره‌ای ایران به‌وفور دیده می‌شود: تمرکز مداوم بر روایت‌های جنگی بدون توجه به کیفیت روایت سینمایی یا دست‌کم استقبال انبوه و واقعی مخاطب.

حضور پررنگ این نوع آثار در جشنواره‌های مختلف، هرچند از نظر تعداد چشمگیر است، اما هیچ تلاشی برای اقبال مردمی و تأثیرگذاری هنری ندارد. در واقع، این گرایش به تولید آثار دفاع مقدس بیشتر به یک روند تشریفاتی و رزومه‌ساز تبدیل شده است و بسیاری از این فیلم‌ها بدون ایجاد ارزشی تازه، تنها جای خود را در فهرست آثار رسمی ثبت می‌کنند. آثاری همچون «غریب»، «مجنون»، «اسفند»، «پیش‌مرگ»، «صیاد»، «شمال از شمال‌غربی» و نمونه متأخر «جانشین» که در جشنواره امسال، نه‌تنها از نظر موضوع و تم مشابه یکدیگرند، بلکه نوعی موازی‌کاری آشکار تولیدکنندگان فیلم محسوب می‌شوند؛ طوری که هم‌زمان شاهد تولید فیلم‌هایی با محوریت یک شخصیت واحد، مانند علی‌هاشمی در «اسفند» و «اشک‌هور» هستیم و این دو اثر به‌صورت هم‌زمان در سال گذشته در چهل‌وسومین جشنواره فیلم فجر اکران شدند. اما مشکل اصلی، فراتر از نام شخصیت‌ها، در شباهت عمیق تماتیک و ساختاری روایت‌ها نهفته است. به‌نظر می‌رسد که برای سینمای جنگ صرفاً ساختن فیلمی درباره یکی از شهدای دفاع مقدس مسئله است و کیفیت هنری و زیبایی‌شناسی سینما در ارائه این داستان نقشی ندارد.

شباهت موضوعی و محتوایی یکی از بارزترین ضعف‌های مجموعه فیلم‌هایی است که پیش‌تر به آنها اشاره شد. نمونه واضح این یکواختی در فیلم «جانشین» دیده می‌شود، جایی که صحنه حمله به خانه تیمی گروهک منافقین، شبیه یک الگوی نمایشی تکراری و کلیشه‌ای به تصویر کشیده شده است؛ الگویی که از فیلم «ماجرای نیمروز» آغاز شد و در آثاری مانند «غریب» و «شمال از شمال‌غربی» بارها بازتولید شده است، و حتی در سریال «عملیات مهندسی» (پخش شده از صداوسیما) همان سبک و سیاق ماجرای نیمروز بازفراهم‌آوری شده است.

فیلم «جانشین» گویی به‌صورت فرصت‌طلبانه‌ای از روند موازی‌کاری و تقلید ساختاری آثار مشابه استفاده کرده است که این باعث شده مخاطب با فیلمی مواجه شود که انگار قبلاً نمونه‌هایش را دیده و چیز تازه‌ای برایش ندارد. فیلم‌هایی که هیچ‌یک توانسته‌اند فراتر از الگوهای ثابت، تجربه‌ای انسانی یا دراماتیک گام بردارند. این وضعیت نشان‌دهنده یک بحران جدی در رویکرد تولید خلا‌فانه در سینمای دفاع مقدس است، جایی که کمیت و رزومه‌سازی بر کیفیت و نوآوری چیره شده است. با این وصف، تمامی این آثار متمرکز بر بازنمایی قهرمانان تاریخ جنگ و زندگی آنان استوار شده، در حالی که همه آثار به‌صورت عجیبی به یکدیگر شباهت دارند و فیلم جانشین از این نظر سرآمد است. گرچه این رویکرد در راستای حفظ حافظه تاریخی و بازتولید روایت‌های هویتی قابل تحلیل است، اما از منظر زیبایی‌شناسی سینمایی و درام‌پردازی، پرسش‌هایی



در دست انجام دارد، گفت فعلاً برنامه‌ای برای پژوهش بیشتر در ادبیات مشروطه ندارد.» کتاب «شعر و شاعری در دوره مشروطه» چنان‌که از عنوانش نیز پیداست تنها به شعر مشروطه می‌پردازد. اما در دوره مشروطه نثر نیز راه تحول پیمود و به سادگی گرایش پیدا کرد؛ این البته ادامه راهی بود که از پیش از مشروطه آغاز شده بود. از نثرهای درخشان و ماندگار دوره مشروطه، نثر دهخدا در نوشته‌های طنزآمیز سیاسی‌ای است که با عنوان «چرند و پرند» در نشریه «صوراسرافیل» منتشر می‌شد. کاتوزیان در این‌باره که آیا مطالعه نثر دوره مشروطه می‌تواند به غنای نثر فارسی امروز کمک کند، با اشاره به دهخدا و جهانگیرخان صوراسرافیل، می‌گوید: «نثر امروز هم می‌تواند از سادگی و روانی نثر امثال دهخدا و جهانگیرخان بیاموزد.» در کتاب «شعر و شاعری در دوره مشروطه» پس از مقدمه مترجم و پیش‌گفتار گردآورندگان، جستارهایی با عنوان‌های «ایرج، شاعر عشق و طنز- همایون کاتوزیان»، «خاموشی قمرالملوک وزیری: اغراق و اسطوره‌سازی در تاریخ‌نگاری ایرانی / لیلای روحی»، «شعر گیلکی محمدعلی افراشته و میراث انقلاب مشروطه / نسرين رحيميه»، «سرود آزادی: زنان و تقدیس شاعران دوره مشروطه / متیوسی اسمیت»، «آموزش اجتماعی از طریق شعر طنز: اشرف‌الدین نسیم شمال و علی‌اکبر دهخدا / پروین لولویی»، «حواشی، مقاومت و تحول در شعر کلاسیک فارسی: یغمای جندقی در قامت پیشگام شعر مشروطه / فرشاد سنبل‌دل»، «سیاست، زندان و شعر: تحلیلی از بوطیقای فرخی یزدی / سعیده شهنواری»، «آواز مدرنیته به زبان سنت: جایگاه نظریه و عملکرد ادبی محمدتقی بهار / سالور ملایری» و «گریستن روی صحنه: عشقی نمایشنامه‌نویس / بهروز محمودی بختیاری» آمده است.



این دوره وجود نداشته است. آکاپالا نوعی از موسیقی آوازی اغلب چندنفره است که بدون ساز اجرا می‌شود.

برنامه ۲۴ ساعته

در ادوار گذشته جشنواره موسیقی فجر طبق روال جشنواره‌های دیگر از جمله فیلم، برنامه بخش‌های مختلف و اجراهای شرکت‌کننده‌ها را در شروع جشنواره اعلام می‌کرد اما امسال در این برنامه هم تغییری ایجاد شده است. در این دوره برنامه‌های اجراهای یک یا دو روز آینده اعلام می‌شود که دلیل قطعی این نوع برنامه‌ریزی مشخص نیست. در جشنواره امسال رویه به این شکل است که از یک روز قبل اعلام می‌شود که کدام شرکت‌کننده باید در چه سالی اجرا داشته باشد. شاید محتمل‌ترین دلایل برای برنامه‌ریزی روزانه؛ نامطمئن بودن برگزارکنندگان نسبت به حضور تمامی گروه‌ها و افراد شرکت‌کننده باشد. پیش از آغاز جشنواره امسال برخی چهره‌ها مانند سهراب پورناظری از حضور در جشنواره انصراف داده بودند. موضوعی که احتمالاً توجه برگزارکنندگان را جلب کرده و از این‌رو خواسته‌اند با یک برنامه فوری تبعات چالش انصراف احتمالی خوانندگان و نوازندگان را کم کنند. در صورت اعلام برنامه از قبل این امکان وجود داشت که برخی از گروه‌ها و افراد شرکت‌کننده با وجود اعلام و تأیید قبلی در روز موعود برای اجرا حضور پیدا نکنند. اتفاقی که احتمالاً برگزارکنندگان را به این نتیجه رسانده که برای جلوگیری از اتفاقات غیرقابل پیش‌بینی در برنامه جشنواره، تنها از ۲۴ ساعت قبل برنامه اجرا را اعلام کنند.

مشروطه مرد و زن ندارد، چون مضمون همه آن‌ها سیاسی است و خیلی از لفظ و کلمات آن‌ها تازه است.» «شعر گیلکی محمدعلی افراشته و میراث انقلاب مشروطه» نوشته نسرين رحيميه، از ديگر مقالات کتاب است. کاتوزیان درباره این مقاله و ویژگی‌های اشعار گیلکی افراشته و نسبت و پیوند این اشعار با دیگر اشعار برآمده از مشروطه و نیز درباره اشعار فارسی افراشته، می‌گوید: «اشعار افراشته به زبان گیلکی است ولی ساختار و مضمون آن با شعرهای دیگر تفاوت چندانی ندارد، اگر چه کمی عامیانه‌تر و مانند شعرهای سیداشرف گیلانی است. افراشته بعدها عضو حزب توده و طنزنویس سیاسی قابلی به زبان رسمی فارسی شد و بیشتر شعرهای این دوره‌اش را در روزنامه طنز «چلنگر» که خود او مدیر و سردبیرش بود منتشر می‌کرد.»

احیای مستزاد

یکی از ویژگی‌های شعر مشروطه، بیان مضامین تازه در قالب‌های شعری کلاسیک بود. در کتاب «شعر و شاعری در دوره مشروطه» در مقاله‌ای با عنوان «آواز مدرنیته به زبان سنت: جایگاه نظریه و عملکرد ادبی محمدتقی بهار» نوشته سالور ملایری به این ویژگی شعر مشروطه پرداخته شده است؛ ویژگی‌ای که این پرسش را برمی‌انگیزد که آیا ناسازگاری میان مضمون و قالب در شعر مشروطه وجود داشته است؟ کاتوزیان در پاسخ به این پرسش، با تأکید بر این‌که هیچ‌گونه ناسازگاری بین مضمون و قالب در شعر مشروطه وجود ندارد، عنوان می‌کند: «به‌طور کلی ساختارهای کلاسیک می‌توانند حاوی هر مضمونی باشند اما چنان‌که پیشتر گفتیم خیلی از الفاظ و کلمات در شعر مشروطه، حتی در شعر بهار، تازگی داشتند.» کاتوزیان هم‌چنین درباره مهم‌ترین ویژگی‌هایی که شعر مشروطه را از شعر پیش از خود جدا می‌کند، می‌گوید: «گذشته از الفاظ و کلمات در پاره‌ای موارد فرم‌هایی مانند شعر مستزاد که تقریباً فراموش شده بودند دوباره احیا شدند. شعر مشروطه، به‌جز گشایش عرصه‌ای برای ورود مضامین سیاسی و اجتماعی به شعر، به‌لحاظ ادبی راه‌های جدیدی را برای شعر و تحول آن گشود که سابقه نداشت.» او هم‌چنین درباره ضرورت یا عدم لزوم بازخوانی ادبیات مشروطه عنوان می‌کند: «نیاز نمی‌دانم که ادبیات مشروطه بازخوانی شود ولی هر شعری ارزش بازخواندن دارد. او بر ضرورت پرداختن به پژوهش‌های مغفول‌مانده در حوزه ادبیات تأکید کرد و نیز در پاسخ به این پرسش که آیا پروژه پژوهشی دیگری را هم در زمینه ادبیات مشروطه

رویدادهای موسیقایی مختلفی به‌صورت رقابتی برگزار می‌شود». امینی همچنین در ادامه افزود: «جشنواره موسیقی فجر باید جای بهترین‌ها؛ جوانان مستعد در بخش استعدادهای درخشان و هنرمندان باسابقه و حرفه‌ای باشد، قضاوت و رتبه‌بندی میان این بزرگان را درست نمی‌دانم، همه این هنرمندان در حوزه کاری خود نفر اول هستند».

برنامه‌ها و برنامه‌ریزی

چهل‌ویکمین جشنواره موسیقی فجر در ۶ بخش «موسیقی ایرانی»، «همسرایان یا گروه‌های گُر»، «اجرای گروه‌های کودکان و نوجوانان»، «موسیقی تلفیقی و گونه‌های موسیقی پاپ»، «موسیقی کلاسیک» و «موسیقی اقوام و نواحی ایران» برگزار می‌شود. نکته قابل توجه اینجااست که در این دوره از جشنواره موسیقی، برگزارکنندگان اهمیت ویژه‌ای برای بخش‌های تازه‌وارد قائل شده‌اند؛ از جمله گروه‌های کر و اجرای سرود، که این می‌تواند نوعی تداعی بازگشت به روزهای آغازین جشنواره موسیقی فجر در سال‌های ابتدایی دهه شصت باشد. امسال برای نخستین بار در سال‌های اخیر بخش ویژه‌ای به گروه‌های سرود و کر در جشنواره اختصاص داده شده است و سالن رودکی طبق آنچه دبیر جشنواره موسیقی فجر اعلام کرد، میزبان گروه‌های سرود از شهرهای مختلف کشور است. براساس اعلام مدیران جشنواره با وجود بخش ویژه برای سرود و کر، اما در بخش آکاپالا هیچ درخواست حضوری در

دیدگاه: یادداشت اقتصادی

جامه‌سرخ بازار

چرا بازار سهام عقب‌نشینی کرد؟

نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

بورس تهران بار دیگر زیر سایه ابهام ایستاد. صف‌های فروش طولانی‌تر شدند، پول حقیقی عقب‌نشست و شاخص کل قدم‌به‌قدم به مرزهای حساس نزدیک شد؛ گویی بازار پیش از هر خبر رسمی، نتیجه مذاکرات و تحولات سیاسی را در قیمت‌ها پیش‌خور کرده است.

بازار سهام در سومین روز هفته، جامه سرخ بر تن کرد. شاخص کل بورس در پایان معاملات روز گذشته با افتی بیش از ۲.۵ درصد به محدوده ۴ میلیون و ۶۸ هزار واحد عقب‌نشینی کرد. همزمان شاخص هم‌وزن نیز کاهش نزدیک به ۲ درصدی را تجربه کرد که نشان‌دهنده فشار فروش گسترده در کلیت بازار بود.

سقوط بیش از ۲.۵ درصدی شاخص کل در سومین روز هفته، تنها یک افت عددی نبود؛ بلکه بازتابی از بازاری است که میان امید به گشایش سیاسی و ترس از تداوم ریسک‌ها سرگردان مانده و هنوز مسیر روشنی پیش روی خود نمی‌بیند. بیش از ۸۸ درصد نمادهای بورسی در محدوده منفی تابلو نوسان داشتند و بخش قابل‌توجهی از نمادها به صف فروش نشستند. هرچند سطح ۴ میلیون واحدی همچنان می‌تواند به‌عنوان یک حمایت روانی و فنی برای شاخص کل عمل کند اما با توجه به سایه سنگین ریسک‌های سیاسی، احتمال ورود بورس به فاز دوم اصلاح قیمتی افزایش یافته است. در معاملات دیروز بورس تهران، قفل شدن صف فروش در بیش از ۵۰۰ نماد باعث شد، ارزش معاملات خرد به زحمت از ۷ همت عبور کند؛ رقمی که کمترین سطح ارزش معاملات طی ۸ روز معاملاتی اخیر به شمار می‌رود. علاوه بر این خروج ۲.۵ همت پول حقیقی از بازار سهام، نشانه‌ای دیگر از تضعیف اعتماد سرمایه‌گذاران خرد و افزایش رفتارهای احتیاطی بود. از منظر تکنیکال، شاخص کل بورس در ابتدای هفته تا نزدیکی سطح ۴.۲ میلیون واحد پیش‌روی کرده بود اما اکنون با افت قابل‌توجه، بار دیگر در آستانه آزمون سطح ۴ میلیون واحدی قرار گرفته است. در شرایط فعلی نگاه فعالان بازار بیش از هر چیز به نتیجه واقعی مذاکرات و تحولات سیاسی دوخته شده است.

در صورتی که رفت‌وآمدهای دیپلماتیک به مسقط بتواند دستاوردی ملموس و مثبت به همراه داشته باشد، احتمال واکنش مثبت بورس و کاهش فشار فروش وجود دارد. در مقابل، تداوم ابهام یا تشدید تنش‌های سیاسی می‌تواند به شکست سطح ۴ میلیون واحدی منجر شود؛ سناریویی که در شرایط کنونی، احتمال تحقق آن چندان دور از ذهن نیست. در نگاهی کلان‌تر، بازار سهام ایران طی سال‌های اخیر تصویری متناقض از رشد و افت را همزمان به نمایش گذاشته است. از یک سو، افزایش تعداد شرکت‌های پذیرفته شده و رشد اسمی شاخص کل، ظاهری از رونق را القا می‌کند و از سوی دیگر، ارزش دلاری بازار سهام، روندی نزولی را تجربه کرده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد پس از ثبت قله تاریخی ارزش دلاری بورس در سال ۱۳۹۹ این متغیر کلیدی وارد مسیر کاهشی شده و حتی جهش‌های مقطعی شاخص کل نیز توانسته بازدهی دلاری بازار را به سطوح پیشین بازگرداند. این افت، بازتابی روشن از اثر ریسک‌های سیستماتیک، نوسان نرخ ارز و عملکرد ضعیف بورس در مقایسه با دلار است. در ابتدای سال جاری، خوش‌بینی ناشی از آغاز مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا موجب شد بورس تهران وارد مسیر صعودی شود. این روند همزمان با افت مقطعی نرخ دلار آزاد، ارزش دلاری بازار سهام را افزایش داد. در روزهای پایانی اردیبهشت و همزمان با ثبت قله آن مقطع شاخص، ارزش دلاری بازار به حدود ۱۴۲ میلیارد دلار رسید که بالاترین سطح آن در سال جاری محسوب می‌شود. با این حال، شوک‌های بعدی بازار به‌ویژه پیامدهای جنگ ۱۲ روزه و تشدید نااطمینانی‌های سیاسی، روند صعودی را متوقف کرد. در ادامه، رشد مجدد نرخ دلار آزاد موجب شد، ارزش دلاری بازار سهام بار دیگر کاهش یابد و تا مردادماه به کمتر از ۱۰۰ میلیارد دلار برسد. این روند نشان داد که حتی رشد ریالی بازار نیز در برابر جهش نرخ ارز، تاب‌آوری کافی ندارد. در مجموع، استمرار افت ارزش دلاری بورس بیانگر آن است که بازار سهام همچنان در معرض ریسک‌های کلان اقتصاد و سیاست قرار دارد. تا زمانی که چشم‌انداز مذاکرات، ثبات ارزی و سیاست‌های اقتصادی شفاف‌تر نشود، بورس تهران با چالش حفظ جذابیت سرمایه‌گذاری مواجه خواهد بود و نوسانات مقطعی، جایگزین روندهای پایدار خواهد شد.

رانت‌های رنگین

کدام گروه‌ها از ارز ترجیحی سود بردند؟

سعید مسبوق

گروه اقتصاد

سیاست‌های اقتصادی خنثی نیستند و به‌طور طبیعی برخی گروه‌ها را منتفع و برخی دیگر را متضرر می‌کنند. نظام چندنرخ‌ی ارز در ایران یکی از روشن‌ترین مصادیق این واقعیت است. در این نظام، بخشی از فعالان اقتصادی به ارزی دسترسی دارند که فاصله معناداری با نرخ بازار آزاد دارد؛ فاصله‌ای که خود به منشأ رانت، فساد و شکل‌گیری شبکه‌های غیرشفاف تبدیل شده است. در همین چارچوب، سیدشمس‌الدین حسینی اخیراً با اشاره به اینکه «ارز ترجیحی حذف نشد بلکه تمام شد»، تأکید کرده که به دلیل محدودیت منابع، امکان تداوم این سیاست وجود نداشت. پیش‌تر نیز سیدعلی مدنی‌زاده با بیان اینکه دولت ناچار به آغاز این اصلاح بود، گفته بود اجرای آن حتی با تأخیر انجام شد زیرا هم گزینه جایگزین چندانی وجود نداشت و هم منابع ارزی برای ادامه تخصیص ارز ترجیحی به شدت محدود شده بود.

رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس با اشاره به تجربه اجرای ارز ترجیحی از سال ۱۳۹۷ این سیاست را عامل فشار بر واردات کالاهای اساسی و دارو، تضعیف تولید داخلی و تزیق رانت به گروه‌های محدود دانست؛ گروه‌هایی که به گفته او کمتر به این واقعیت اشاره می‌کنند که ارز ترجیحی به دلیل مصرف رانتی عملاً به پایان رسید. رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس عبور از این سیاست را اجتناب‌ناپذیر خواند و تأکید کرد، فشارهای تورمی ناشی از سیاست‌های ارزی سال‌های گذشته قابل چشم‌پوشی نیست، به گفته وی در قانون بودجه ۱۴۰۴ تخصیص ۱۲.۵ میلیارد دلار ارز ترجیحی منسوط به تحقق درآمدهای ارزی دولت بود اما تا پایان آذرماه تنها ۶.۵ میلیارد دلار درآمد قابل تخصیص محقق شد، درحالی که بیش از ۱۰ میلیارد دلار ارز ترجیحی اختصاص یافته بود. برآوردها نشان می‌دهد کل منابع ارزی قابل تخصیص در این حوزه حدود ۸.۵ میلیارد دلار خواهد بود. حسینی همچنین تأکید کرد که ارز ترجیحی نه‌تنها در کنترل نرخ ارز موفق نبوده بلکه منجر به افزایش واردات و سرکوب صادرات شده است. با این حال، دولت برای کاهش فشار بر معیشت مردم با مجوز سران سه قوه و استجازه از مقام معظم رهبری، اجازه برداشت ۲.۵ میلیارد دلار از صندوق توسعه ملی را دریافت کرده است؛ رقمی که معادل حدود ۲۸۰ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود و تقریباً هم‌سنگ منابع لازم برای اجرای کالابزرگ الکترونیکی است.

چنانکه مقامات رسمی تأکید کرده‌اند، سیاست ارز ترجیحی به‌تدریج از یک ابزار حمایتی به منبع توزیع امتیاز تبدیل شده و به‌طور مشخص واردکنندگان کالاهای اساسی، دارو و نهاده‌ها از شکاف قیمتی میان ارز دولتی و بازار آزاد سود می‌برند و زمینه آربتراژ و سوء استفاده فراهم می‌شود. یکی از رایج‌ترین روش‌ها بیش‌اظهاری در فاکتورهای وارداتی بود که طی آن بخشی از منابع ارزی کشور از مسیرهای غیرشفاف خارج می‌شد. واردات کالاهای بی‌کیفیت با ارز یارانه‌ای و عرضه آن به قیمت کالای استاندارد نیز از دیگر پیامدهای این سیاست بود که هم

دیدگاه: تحلیل اقتصادی

گزارش جدید کیلر

چرا فروش نفت ایران کاهش یافته است؟

مهتا معرفت

گروه اقتصاد

نفت ایران بار دیگر پشت صف فروش متوقف شده است؛ صادرات کاهش یافته، خرید چین افت کرده و ذخایر شناور روی دریا رو به افزایش است. مجموعه این نشانه‌ها از بازاری خبر می‌دهد که زیر فشار تحریم‌ها و محدودیت‌های ژئوپلیتیک، وارد مرحله‌ای تازه از عدم تعادل شده است.

داده‌های جدید کیلر از تحولات بازار نفت، از تغییر معنادار در روند صادرات نفت ایران و همزمان تشدید فشار تحریم‌ها بر برخی تولیدکنندگان بزرگ حکایت دارد. براساس این داده‌ها، صادرات نفت ایران در ماه ژانویه به حدود ۱.۳۵ میلیون بشکه در روز کاهش یافته که پایین‌ترین سطح از ژانویه ۲۰۲۴ محسوب می‌شود. این در حالی است که صادرات نفت ایران در ماه اکتبر

به ائتلاف منابع و هم به زیان مصرف‌کننده منجر می‌شد. در کنار واردکنندگان، شبکه‌ای از واسطه‌ها و شرکت‌های صوری نیز از تداوم ارز ترجیحی منتفع شدند و به‌تدریج ساختارهایی منسجم و مقاوم در برابر اصلاحات شکل گرفت. حذف یا محدودسازی ارز ترجیحی به‌طور طبیعی این شبکه‌ها را متضرر می‌کند و به همین دلیل، اصلاح نظام ارزی همواره با فشارهای سیاسی و رسانه‌ای همراه بوده است. با حرکت به سمت حذف ارز ترجیحی، ترکیب گروه‌های منتفع تغییر می‌کند. دولت با کاهش فشار بر منابع ارزی و شفاف‌تر شدن بودجه منتفع می‌شود، تولیدکنندگان داخلی از رقابت نابرابر با واردات یارانه‌ای رها می‌شوند و فعالان اقتصادی شفاف در فضای عادلانه‌تری فعالیت می‌کنند. در صورت اجرای درست سیاست‌های جبرانی، مصرف‌کنندگان نیز می‌توانند از



طریق حمایت‌های مستقیم و هدفمند بهره‌مند شوند. در نهایت، اقتصاد کلان کشور از کاهش فساد، افزایش شفافیت و محدود شدن رانت‌ها سود خواهد برد؛ منافعی که اگرچه در کوتاه‌مدت کمتر دیده می‌شوند اما در بلندمدت به ثبات و کارایی بیشتر اقتصاد منجر خواهند شد.

در دهه‌های گذشته، نظام چندنرخ‌ی ارز در اقتصاد ایران قاعده بوده و تجربه نظام تک‌نرخ‌ی بیشتر به‌عنوان یک استثنا یا دوره‌ای گذرا ثبت شده است. فعالان اقتصادی باتجربه به‌خوبی از این واقعیت آگاه هستند و رفتار، تصمیم‌گیری و حتی برنامه‌ریزی بلندمدت خود را بر همین اساس تنظیم می‌کنند. از همین‌رو بخشی از ذی‌نفعان ارز ترجیحی ممکن است، حذف آن را نه یک تغییر پایدار بلکه وضعیتی موقتی تلقی کنند و با صبر، ذخیره‌سازی کالا، تعویق عرضه یا اعمال فشارهای سیاسی و رسانه‌ای در انتظار بازگشت نظام چندنرخ‌ی بمانند. شکل‌گیری چنین انتظاری خود می‌تواند به بی‌ثباتی بازار، تشدید نااطمینانی و اختلال در زنجیره تأمین دامن بزند. در این میان باید میان گروه‌های مختلفی که از حذف ارز ترجیحی متأثر می‌شوند، تمایز قائل شد. همه زیان‌دیدگان این سیاست الزماً فاسد یا رانت‌جو نیستند. بخشی از بنگاه‌ها طی سال‌های گذشته، مدل کسب‌وکار خود را بر پایه دسترسی به ارز ارزان طراحی کرده‌اند و بدون آنکه لزوماً درگیر فساد یا سوء استفاده باشند اکنون با افزایش ناگهانی هزینه‌ها و کاهش حاشیه سود مواجه می‌شوند. این بنگاه‌ها اگرچه متضررند اما تفاوت اساسی آنها با شبکه‌های رانتی در این است که قابلیت

تطبیق دارند و می‌توانند با سیاست‌های حمایتی شفاف، موقت و هدفمند، خود را با شرایط جدید وفق دهند. در مقابل، شبکه‌های رانتی اساساً با شفافیت، رقابت و قواعد پایدار ناسازگارند و بقای آنها به وجود شکاف قیمتی، ابهام و امتیازهای خاص وابسته است. از این منظر حذف ارز ترجیحی صرفاً یک اقدام اقتصادی یا اصلاح فنی نیست بلکه تصمیمی سیاسی -اجتماعی پیچیده است که توازن منافع را در اقتصاد تغییر می‌دهد. این سیاست به‌طور مستقیم منافع گروه‌هایی از واردکنندگان و شبکه‌های وابسته به آنها را هدف قرار می‌دهد و طبیعی است که با مقاومت جدی، امتیاز بدون اصلاح همزمان سازوکارهای تخصیص، نظارت و شفافیت انجام شود، رانت می‌تواند صرفاً شکل خود را تغییر دهد. به‌عنوان مثال، اگرچه ارز ترجیحی حذف می‌شود اما ممکن است امتیازهایی مانند مجوزهای خاص واردات، معافیت‌های تبعیض‌آمیز، قیمت‌گذاری دستوری یا دسترسی ترجیحی به منابع اعتباری به بسترهای جدید توزیع رانت تبدیل شوند. در چنین شرایطی، هدف اصلی اصلاح که همانا کاهش فساد و افزایش کارایی است، محقق نخواهد شد.

از سوی دیگر، مدیریت انتظارات نقش کلیدی در پایداری این سیاست دارد. اگر فعالان اقتصادی و مصرف‌کنندگان نسبت به تداوم اصلاحات اطمینان نداشته باشند، رفتارهای احتیاطی و بعضاً مخرب تشدید می‌شود. شفافیت در اعلام سیاست‌ها، پایبندی دولت به قواعد اعلام شده و پرهیز از تصمیم‌های ناگهانی و متناقض می‌تواند به کاهش این نااطمینانی کمک کند. هرچه افق سیاستی روشن‌تر و قابل پیش‌بینی‌تر باشد احتمال تطبیق بنگاه‌ها و کاهش رفتارهای سوداگرانه افزایش می‌یابد. در کنار این موارد، سیاست‌های جبرانی باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که هم از اقشار آسیب‌پذیر حمایت کنند و هم انگیزه‌های نادرست ایجاد نکنند. حمایت‌های نقدی یا کالابزرگی اگر به‌صورت موقت، هدفمند و مبتنی بر داده‌های دقیق اجرا شوند، می‌توانند اثرات تورمی کوتاه‌مدت حذف ارز ترجیحی را تعدیل کنند. در مقابل، تعمیم بی‌هدف یارانه‌ها یا بازگشت به قیمت‌گذاری‌های دستوری، خطر بازتولید ناکارآمدی‌های گذشته را به همراه دارد. در نهایت، پایداری حذف ارز ترجیحی در گرو مجموعه‌ای از اصلاحات مکمل است: اصلاح نظام بودجه‌ای، کاهش وابستگی به درآمدهای ناپایدار ارزی، بهبود محیط کسب‌وکار، تقویت رقابت و افزایش شفافیت در زنجیره واردات و توزیع. بدون این اصلاحات، احتمال بازگشت به نظام چندنرخ‌ی و تکرار چرخه فساد همچنان وجود خواهد داشت. اما اگر این سیاست در چارچوب یک برنامه جامع و منسجم دنبال شود، می‌تواند نقطه آغازی برای عبور تدریجی از اقتصاد رانتی و حرکت به سمت نظامی کاراتر و پاسخگوتر باشد.

و تشدید ریسک‌های لجستیکی در زنجیره فروش نفت تفسیر می‌شود. این تحولات در شرایطی رخ می‌دهد که بازار جهانی نفت به‌شدت تحت‌تأثیر تحریم‌های آمریکا و محدودیت‌های ژئوپلیتیک قرار دارد. در همین راستا، تولید نفت روسیه نیز تحت‌فشار تحریم‌ها کاهش یافته و به حدود ۹.۲۸ میلیون بشکه در روز رسیده است. این سطح تولید حتی ۳۰۰ هزار بشکه در روز کمتر از سهمیه تعیین شده اوپک برای روسیه است و نشان می‌دهد، تحریم‌ها نه‌تنها صادرات بلکه توان تولید این کشور را نیز هدف قرار داده است. کاهش همزمان صادرات نفت ایران و تولید نفت روسیه، اگرچه از منظر عرضه جهانی می‌تواند در کوتاه‌مدت به حمایت از قیمت‌ها منجر شود اما در عمل با توجه به ضعف تقاضا و افزایش ذخایر نفتی در برخی مناطق، اثرگذاری آن محدود بوده است. برای ایران، تداوم این وضعیت می‌تواند به افزایش هزینه‌های ذخیره‌سازی، تشدید تخفیف‌های فروش و پیچیده‌تر شدن مسیرهای صادراتی منجر شود. در مجموع، داده‌های اخیر نشان می‌دهد که بازار نفت ایران بیش از هر زمان دیگری به تحولات سیاسی، روند تحریم‌ها و رفتار خریداران اصلی وابسته شده است. در چنین شرایطی، پایداری صادرات نفتی کشور نه‌تنها به ظرفیت تولید بلکه به توان مدیریت ریسک‌های ژئوپلیتیک و حفظ مسیرهای فروش بستگی دارد؛ مسیری که در ماه‌های آینده می‌تواند با نوسانات قابل‌توجهی همراه باشد.

می خواهیم بمانیم!

درباره انتشار قطعه من ایرانم شروین حاجی‌پور

گروه اجتماعی: تاریخ هنر معاصر ایران، به‌ویژه در دهه‌های اخیر، همواره با سیاست گره خورده است؛ اما کمتر هنرمندی را می‌توان یافت که مانند شروین حاجی‌پور، ناخواسته و به شکلی ناگهانی از اتاق خواب شخصی‌اش به میانه کارزار جهانی پرتاب شود. انتشار قطعه جدید او با نام «من ایرانم»، بار دیگر این پرسش را زنده کرد: چرا هر ثت و هر کلمه از حنجره این جوان مازندرانی به یک مناقشه ملی تبدیل می‌شود؟

«برای...»؛ مانیفستی که با اشک نوشته شد

در بحبوحه پاییز ۱۴۰۱ جامعه ایران در جست‌وجوی صدایی بود که خشم، حسرت و آرزوهای پراکنده‌اش در شبکه‌های اجتماعی را منسجم کند. شروین با هوشیاری یا شاید از سر صداقت هنری، قطعه «برای...» را براساس توثیت‌های مردم ساخت. این اثر نه یک موسیقی پیچیده بلکه یک «مستند صوتی» بود.

موفقیت خیره‌کننده این قطعه و کسب جایزه گرمی، شروین را در جایگاهی قرار داد که پیش از او بزرگانی چون کیهان کلهر تجربه کرده بودند؛ با این تفاوت که شروین این اعتبار را به تنهایی و در متن یک التهاب سیاسی به‌دست آورد. اما این قله، آغازگر دره‌ای عمیق از محدودیت‌ها و فشارهای امنیتی و اجتماعی بود.

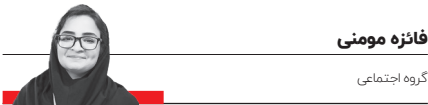
زمستان سکوت و بازگشت با «واقعی»

پس از سه سال خانه‌نشینی و ممنوع‌الکاری، سال ۱۴۰۴ برای شروین با انتشار رسمی آلبوم «واقعی» آغاز شد. اما

ادامه تیتیر یک

فرمان علمی

درباره تشکیل کمیسیون ملی بررسی علمی اعتراضات



فائزة مومنی

گروه اجتماعی

در حالی که هنوز غبار سنگین حوادث غمبار دی‌ماه بر چهره شهرهای ایران باقی است، ایستگاه تازه‌ای در مسیر پاسخگویی دولت بنا شد. با ابلاغ حکم وزیر علوم، «شورای راهبری کمیسیون ملی بررسی علمی اعتراضات» رسماً متولد شد تا شاید این‌بار، نه از دالان‌های تاریک امنیتی، که از پنجره‌های گشوده نهاد علم به تماشای فاجعه‌ای بنشینیم که طبق آمارهای رسمی، هزاران زخم عمیق بر پیکر این مرز و بوم بر جای گذاشته است. حضور چهره‌هایی نظیر رؤسای دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبایی، شیراز و مشهد در کنار معاونان وزیر علوم، نشان از عزمی دارد که می‌خواهد «حقیقت» را در آزمایشگاه علوم اجتماعی و سیاسی جست‌وجو کند؛ اما پرسش بنیادین اینجاست که آیا در ساختاری که دهه‌هاست میان «روایت رسمی» و «واقعیت میدانی» شکافی به وسعت یک گسل ایجاد شده، صندلی‌های دانشگاهی می‌توانند تکیه‌گاه مطمئنی برای استخراج حقیقتی باشند که ممکن است به مذاق قدرت خوش نیاید؟

گذار از «کمیته‌های امنیتی» به «کمیسیون‌های علمی»

انتصاب اعضای این شورا به ریاست حسین سیمایی صراف، در نگاه نخست یک چرخش پارادایمیک و مثبت در رفتار دولت مسعود پزشکیان تلقی می‌شود. برخلاف تجربه‌های تلخ گذشته که بررسی بحران‌های اجتماعی بلافاصله به نهادهای زیرمجموعه شورای عالی امنیت ملی یا وزارت کشور سپرده می‌شد، سپردن این مأموریت به وزارت علوم، پیامی نمادین دارد: پذیرش این واقعیت که آنچه در دی‌ماه ۱۴۰۴ رخ داد، صرفاً یک «آشوب امنیتی» نبود، بلکه فوران زخم‌های ناسور اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بود که نیازمند کالبدشکافی علمی است. تأکید وزیر بر «شنیدن صدای گفتمان‌های متفاوت» و «مشارکت انجمن‌های علمی غیردولتی»، روی

بازگشت او به عرصه رسمی، به‌جای استقبال، با موجی از سوءظن‌ها همراه شد. در فضای رادیکالیزه شده کنونی، «مجوز گرفتن» یا «فعالیت در چارچوب قانون» از سوی بخشی از بدنه اپوزیسیون به‌معنای «سازش» یا «خیانت» تعبیر شد. واکنش تند و دردمندانه شروین در فضای مجازی (جایی که نوشت: «بمیرم اگر آدم‌فروشی کرده باشم») پرده از یک واقعیت تلخ برداشت. هنرمند داخلی امروز میان دو لبه قیچی قرار گرفته است؛ از یک‌سو فشار نهادهای نظارتی و از سوی دیگر، «ترور شخصیت» توسط جریان‌هایی که کوچک‌ترین فعالیت در داخل کشور را بر نمی‌تابند. این فشار روانی چنان سنگین بود که شروین را وادار کرد بین خروج از کشور و ماندن برای «مردم»، دومی را با تمام برچسب‌هایش انتخاب کند.

«من ایرانم»؛ موسیقی در عصر جنگ و اعتراض

وقایع دی‌ماه ۱۴۰۴ بستر تولد قطعه جدید او یعنی «من ایرانم» شد. این آهنگ ثابت کرد که شروین به‌رغم فشارهای دو جانبه، قصد ندارد از هویت «منتقد اجتماعی» خود دست بکشد. او در این اثر، ایران را نه به‌مثابه یک ساختار سیاسی بلکه به‌عنوان یک کالبد زنج‌دیده بازتعریف می‌کند. میلیون‌ها بازدید در نخستین ساعات انتشار، نشان داد که پیوند او با بدنه جامعه همچنان گسست‌ناپذیر است. شروین با تکیه بر تجربه اعتراضات پیشین، این بار پخته‌تر و با زبانی استعاری‌تر، از دردهای مشترک سخن می‌گوید.

آیا هنر رسمی لزوماً فرمایشی است؟

بزرگ‌ترین چنجال پیرامون شروین، نه موسیقی او بلکه «حق

کاغذ همان چیزی است که جامعه مدنی سال‌هاست مطالبه می‌کند. با این حال، نباید از یاد برد که دانشگاه در ایران، خود طی سال‌های اخیر تحت فشارهای ساختاری شدیدی بوده و استقلال آن به دفعات با چالش مواجه شده است.

بحران اعتماد و زمان؛ دو لبه تیز حقیقت‌یابی

یکی از بزرگ‌ترین موانع پیش روی این کمیسیون، زمان است. تاریخ معاصر ما مملو از کمیته‌هایی است که وقتی تشکیل شدند که خون‌ها خشکیده بود و وقتی گزارش دادند که جامعه درگیر بحرانی نوین گشسته بود. ماجرای گزارش نهایی رخدادهای سال ۱۴۰۱ که همین روزها و پس از سه سال تأخیر به‌دست رئیس‌جمهور رسیده، آینه‌ای عبرت‌ناست. حقیقت اگر در لحظه و در کوتاه‌ترین زمان ممکن استخراج نشود، خاصیت درمانگری خود را از دست می‌دهد و به یک «سند بایگانی‌شده» تبدیل می‌شود. دولت پزشکیان باید بداند که جامعه داغدار، تشنه تحلیل‌های تئوریک در باب «روان‌شناسی توده‌ها» نیست؛ مردم می‌خواهند بدانند چه کسی فرمان شلیک داد؟ چرا حق اعتراض مدنی به معرکه‌ای خون‌بار بدل شد؟ و چگونه می‌توان تضمین کرد که این تراژدی در اسفندماه یا فروردین‌ماه بعدی تکرار نشود؟ اگر این کمیسیون نتواند ظرف هفته‌های آتی، خروجی‌های ملموس و شفاف‌ی ارائه دهد، برچسب «وقت‌کشی برای عبور از بحران» بر پیشانی آن خواهد خورد.

شفافیت آماری؛ آزمونی برای صداقت دولت

در متن پیام رئیس‌جمهور و گزارش‌های دولتی، از جان‌باختن قریب به سه هزار تن سخن به‌میان آمده است؛ عددی که به‌خودی خود تکان‌دهنده و در تاریخ معاصر بی‌سابقه است. اقدام دولت در اعلام اسامی کشته‌شدگان با کد ملی، گامی رو به جلو برای نظم‌بخشی به فضای اطلاعاتی است، اما این سکه روی دیگری نیز دارد. اگر این لیست‌ها ناقص باشند یا معیارهای «کشته‌شده مرتبط با رخداد» به‌گونه‌ای تعریف شود که بخشی از جان‌باختگان را از دایره مسئولیت حاکمیت خارج کند، همین ابزار شفافیت به ابزار

بقا» اوست. منتقدان تندرو در خارج از مرزها، مدعی هستند که هرگونه کنشگرگی در داخل ایران، بازی در زمین حاکمیت است. در مقابل، این دیدگاه مطرح می‌شود که اگر فضای نقد در داخل به کلی مسدود شود و هنرمندان به سکوت یا مهاجرت وادار شوند، عرصه فرهنگ به تمامی در اختیار روایت‌های رسمی و یک‌سویه قرار خواهد گرفت. شروین حاجی‌پور با ایستادگی بر موضع خود، در واقع علیه یک «سانسور مضاعف» شوریده است. او از یک‌سو با سخت‌گیری‌های سیستماتیک دست و پنجه نرم می‌کند

در مقابل، این دیدگاه مطرح می‌شود که اگر فضای نقد در داخل به کلی مسدود شود و هنرمندان به سکوت یا مهاجرت وادار شوند، عرصه فرهنگ به تمامی در اختیار روایت‌های رسمی و یک‌سویه قرار خواهد گرفت.

شروین حاجی‌پور با ایستادگی بر موضع خود، در واقع علیه یک «سانسور مضاعف» شوریده است. او از یک‌سو با سخت‌گیری‌های سیستماتیک دست و پنجه نرم می‌کند

سرکوب حقیقت بدل خواهد شد. کمیسیون علمی تحت‌نظر وزیر علوم باید فراتر از لیست‌های بنیاد شهید، به‌سراغ خانواده‌های آسیب‌دیده برود. حقیقت‌یابی یعنی اجازه دادن به وکلای مستقل و نهادهای مدنی برای به چالش کشیدن آمارهای رسمی. بدون حضور نمایندگان واقعی معترضان و نخبگان منتقد در ترکیب این شورا، خروجی کار همواره با انگ «یک‌جانبه‌گرایی» روبه‌رو خواهد بود.

ساختار در برابر عاملیت؛ آیا علم پیروز می‌شود؟

تأکید بر رویکرد میان‌رشته‌ای و توجه به ابعاد اقتصادی و سیاست خارجی در دستورالعمل وزیر علوم، نشان‌دهنده درک درستی از ریشه‌های بحران است.

همه می‌دانیم که سفره‌های کوچک‌شده، ناامیدی از تغییرات دیپلماتیک و انسداد سیاسی، بنزین ریخته شده بر آتش دی‌ماه بود. اما نقد اساسی اینجاست که آیا یک کمیسیون دولتی، حتی با صبغه علمی، اجازه دارد به «ریشه‌ها» برسد؟ شناسایی ریشه‌های خشونت، لزوماً به مزدوران یا پوطنه‌های خارجی ختم نمی‌شود؛ گاهی ریشه خشونت در شرایطی است که راه را بر هرگونه تغییر مسالمت‌آمیز بسته است. اگر اعضای این شورا بخواهند صادقانه به وظیفه اجتماعی خود عمل کنند، باید آماده باشند که در گزارش خود، ساختارهای صلب و غیرقابل انعطاف را نقد کنند.

تشکیل این شورای علمی را باید به فال‌نیک گرفت اما با چشمانی نگران به تماشای عملکرد آن نشست. آقای رئیس‌جمهور و آقای وزیر علوم! حقیقت، کالایی نیست که در آزمایشگاه‌های ایزوله تولید شود؛ حقیقت در خیابان‌ها، در خانه‌های داغدار و در وجدان بیدار جامعه حضور دارد. اگر این کمیسیون نتواند پلی میان «دانشگاه» و «خیابان» بزند و اگر گزارش آن صرفاً توجیهی آکادمیک برای خطاهای استراتژیک باشد، نه تنها دردی را دوا نخواهد کرد، بلکه آخرین بقایای اعتماد عمومی به نهاد علم و دولت را نیز با خود به خاک خواهد سپرد. چشم ایران به نتایج این «آزمون سخت» دوخته شده است؛ آیا شما جرأت انتشار حقیقتی را دارید که شاید با قرائت‌های رسمی همخوانی نداشته باشد؟



و از سوی دیگر با فضای ارعابی که هرگونه فعالیت مدنی را «مشکوک» جلوه می‌دهد.

شروین حاجی‌پور امروز فراتر از یک خواننده پاپ، نماد هنرمندی است که می‌خواهد «در خانه» بماند و «صدای خانه» باشد. او نشان داد که موسیقی اعتراض در ایران، مسیری ناهموار و پر از سوءتفاهم است. از «برای...» که مرثیه‌ای برای یک نسل بود تا «من ایرانم» که حکایت ایستادگی در میان خاکستر است، شروین همچنان آینه تمام‌نمای تضادها، آرزوها و سرخوردگی‌های جامعه‌ای است که هنر را تنها مأمن خود برای شنیده شدن می‌بیند.

جامعه

عذرخواهی می‌کنم

محمد ساعدی‌نیا، نامه عذرخواهی امضا کرد

در روزهای اخیر، نام محمدعلی ساعدی‌نیا، مالک برند شناخته شده ساعدی‌نیا، بار دیگر در صدر اخبار اجتماعی و قضایی قرار گرفته است؛ این بار نه به‌دلیل فعالیت اقتصادی بلکه در پی حواشی مرتبط با ناآرامی‌های دی‌ماه ۱۴۰۴. ساعدی‌نیا در نامه‌ای رسمی با پذیرش «اشتباه خود و فرزندش» بابت بستن مغازه‌های این برند در جریان ناآرامی‌ها، از مردم عذرخواهی کرده و ضمن تأکید بر علاقه‌اش به ایران، از آمریکا و رژیم صهیونیستی اعلام انزجار کرده است. این موضع‌گیری پس از پخش کلیپی از محصولات این برند توسط نظامیان اسرائیلی شدت بیشتری یافت. ماجرا به دی‌ماه بازمی‌گردد؛ زمانی که برند ساعدی‌نیا در همراهی با فراخوان‌های اعتراضی با انتشار استوری‌هایی، اقدام به تعطیلی واحدهای صنفی خود کرد. این اقدام، به گفته مقام‌های قضایی، در چارچوب «همراهی با فراخوان‌های خونی ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه» ارزیابی شده و به تشکیل پرونده قضایی علیه مالک برند انجامیده است. در همین راستا محمدصادق ساعدی‌نیا، فرزند او، به دستور دادستان بازداشت شده و قوه قضائیه نیز اعلام جرم علیه این خانواده را تأیید کرده است. همزمان، طرح موضوع توقیف یا حتی مصادره اموال ساعدی‌نیا برای جبران خسارات ناآرامی‌ها، موجی از واکنش‌های حقوقی را برانگیخته است. برخی رسانه‌ها از احتمال فروش اموال این برند برای جبران خسارت‌های وارد شده به اموال عمومی سخن گفته‌اند؛ رویکردی که با انتقاد صریح حقوقدانان مواجه شده است. صالح نقره‌کار، حقوقدان وکیل دادگستری، این رویکرد را مغایر با اصل «قانونی بودن جرم و مجازات» می‌داند؛ اصلی که به گفته او از دستاوردهای بنیادین حقوقی ایران از دوران مشروطه تاکنون است. به تأکید نقره‌کار، مطابق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی، هیچ رفتار یا ترک رفتاری جرم محسوب نمی‌شود و هیچ مجازاتی قابل اعمال نیست مگر آنکه پیش‌تر در قانون پیش‌بینی شده باشد. از همین‌رو توقیف یا مصادره اموال شهروندان بدون حکم قطعی و مبنای قانونی روشن، تهدیدی جدی علیه مالکیت خصوصی و امنیت حقوقی جامعه است. این حقوقدان تأکید می‌کند که مسئولیت جبران خسارت، تنها متوجه افرادی است که به‌صورت مستقیم و مستند در اعمال خشونت‌آمیز یا تخریب نقش داشته‌اند و این مسئولیت نه قابل تسری به اشخاص ثالث است و نه می‌توان آن را به حامیان مدنی یا صنفی اعتراضات تحمیل کرد. به باور او، هرگونه تفسیر موسع از اختیارات قضایی در این زمینه، نه تنها نقض حقوق اساسی شهروندان بلکه عاملی برای تضعیف اعتماد عمومی خواهد بود؛ اعتمادی که در شرایط پرالتهاب اجتماعی بیش از هر زمان دیگری به آن نیاز است.



سال هشتم شماره ۲۱۸۱
سه‌شنبه ۲۱ بهمن ۱۴۰۴

دیدگاه

بررسی مسائل روز

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقتناعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاست‌گذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطر یازفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر اقتناعی

مدیر هنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا مطریان • ویراستار: سعیده آرین‌فر • حروف‌چین: سحر خسروچردی • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۶۸۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

نظر سنجی سبک زندگی

خسروپناه: درصد بالایی از خانم‌های کشف حجاب کننده، گفته‌اند این سبک را می‌پسندیم

می‌کند». در بخش دیگری از گفت‌وگو، خسروپناه به اتهام اخراج گسترده اساتید دانشگاه واکنش نشان می‌دهد و آمارهای مطرح شده در فضای مجازی را «کذب» می‌خواند. او می‌گوید، بخش عمده مواردی که به‌عنوان اخراج مطرح شده، مربوط به پایان قراردادهای پیمانی یا روال‌های اداری بوده و موارد انضباطی «بسیار محدود» است. به گفته او، شورای‌عالی انقلاب فرهنگی وظیفه خود دانسته که صدای نظم‌خواهی اساتید را بشنود و در عمل نیز «همه کسانی که به دلایل انضباطی کنار گذاشته شده بودند، بازگشتند». خسروپناه در مقابل تمرکز رسانه‌ای بر چند ۱۰ نفر از بی‌توجهی به وضعیت «بیش از ۷۰۰ استاد پیمانی بدون کد استخدامی» انتقاد می‌کند و این رویکرد را خلاف عدالت رسانه‌ای می‌داند. او در عین حال تأکید می‌کند اگر حتی یک مورد اخراج برخلاف ضوابط قانونی صورت گرفته باشد شخصاً آن را در هیأت‌عالی تجدیدنظر وزارت علوم پیگیری و رسانه‌ای خواهد کرد چرا که «آبروی افراد» موضوعی قابل اغماض نیست. خسروپناه در بخش پایانی گفت‌وگو به صداوسیما و نمایش خانگی می‌پردازد. او خود را «وکیل مدافع صداوسیما» نمی‌داند و می‌گوید این سازمان بارها به‌شورای نیز نقد داشته اما هم‌زمان معتقد است نمی‌توان کارهای مثبت آن را نادیده گرفت. از نگاه او، صداوسیما باید بیش از پیش در معرض نقد قرار گیرد و حتی «اجازه دهد این نقدها در خود صداوسیما مطرح شود». با این حال به اقداماتی مانند صدور حدود ۵۰۰ مجوز برای پلتفرم‌ها اشاره می‌کند و آن را نشانه نبود تعارض منافع می‌داند.



خطاهای اجرایی و «سرمايه‌گذاری‌های سنگین رسانه‌ای بی‌رونی» بوده است. به باور او، راه مواجهه با مسئله حجاب نه برخورد انتظامی بلکه «تبیین، گفت‌وگو و حفظ انسجام ملی» است و تجربه نشان داده پروژه‌هایی مانند ون «نه‌تها مسئله را حل نمی‌کند بلکه آن را منحل

عبدالحسین خسروپناه، دبیر شورای‌عالی انقلاب فرهنگی، در گفت‌وگو با خبرنگاران تصویری از نقش این‌شورا در سه مناقشه پرتش سال‌های اخیر ارائه می‌دهد؛ از قانون عفاف و حجاب گرفته تا ماجرای اخراج اساتید و انتقادات گسترده به صداوسیما. او اولاً از یک موضوع پرده‌برداری می‌کند؛ می‌گوید: یک تحقیق پیمایشی در خصوصی بانوانی که کشف حجاب می‌کنند، انجام شده است. از همین خانم‌هایی که کشف حجاب می‌کنند، نظرسنجی شده است و درصد بالایی گفته‌اند این سبک را می‌پسندیم. یعنی یک مسئله گرایشی و علاقه است. مسئله شناختی است. نمی‌توان گفت اینها از عوامل خارجی خط می‌گیرند. ممکن است فضای مجازی روی پینش و منش و کش او اثر گذاشته باشد. ممکن است یک خانم باحجاب و چادری باشد و فضای مجازی آرام‌آرام باورهای او را متزلزل کند و به سمت بی‌حجابی و بدن‌نمایی سوق پیدا کند. این فرهنگ فضای مجازی است که اثر گذاشته است. خسروپناه در مورد قانون عفاف و حجاب صریح می‌گوید که شورای‌عالی انقلاب فرهنگی «در دوره دبیر بودن من هیچ مصوبه‌ای درباره حجاب نداشته است» و تأکید می‌کند، آنچه به نام مصوبات شورا مطرح می‌شود عمدتاً به سیاست‌های قدیمی بازمی‌گردد که از دوره دولت خاتمی آغاز شده و در دولت‌های بعدی نیز تداوم یافته است. به گفته او، بخش قابل‌توجهی از قانون مصوب مجلس، «عین عبارات و مصوبات سیاستی شورا» در سال‌های گذشته است و شورا اساساً وارد تصمیمات میدانی، از جمله استفاده از گشت ارشاد یا ون نشده است. خسروپناه مسئولیت تصمیمات اجرایی را متوجه وزارت

دیدگاه: گفتارهای سیاسی

آشوب خط قرمز است

مذاکره با آمریکا، تصمیم حاکمیتی است، نه چنددولتی

در سپهر سیاسی و در میان نیروهای سیاسی هر کشوری درباره موضوعات مهم (مثل همین مذاکره با آمریکا) اختلاف نظرهایی وجود دارد و سپهر سیاسی ایران هم از این قاعده مستثنا نیست. برخلاف پندار رایج مطرح مبنی بر اینکه امور در ایران دچار چنددولتی است، تصمیمات کلیدی مانند مذاکره با آمریکا ازجمله مسائل حاکمیتی به شمار می‌رود. دولت پزشکیان نیز از ابتدای فعالیت خود در حوزه امور حاکمیتی به‌صورت منسجم عمل کرده و در این موضوع نیز با همان انسجام پیش می‌رود. اگر نماینده دولت ترامپ با رویکردی مبتنی بر احترام متقابل و از موضعی برابر با وزیر امور خارجه ایران وارد مذاکره و مصالحه شود، حاکمیت و دولت ایران بر تصمیمی که اتخاذ کرده‌اند، راسخ خواهند بود.



مشکل اصلی آن است که طرف آمریکایی معمولاً سبانه‌ای از فریبکاری در اینگونه تعاملات داشته است. شما ببینید: پیش‌تر نیز همین‌گونه بود، حاکمیت ایران تصمیم به انجام مذاکرات برجام گرفت اما این ترامپ بود که از برجام خارج شد. اتفاقاً هم‌اکنون از یک حیث دیگر شرایط برای یک توافق بیشتر فراهم است چون اکثر کشورهای اسلامی و عربی (مثل ترکیه، مصر، عربستان و قطر) مدافع و ذی‌نفع این مذاکره و مصالحه ایران با آمریکا و ممانعت از تشدید اوضاع و بروز جنگ و ناآرامی در منطقه هستند. اسرائیل تمام هدفش این است که آمریکا را وارد جنگ با جمهوری اسلامی کند و شهرهای ایران را به آشوب بکشد. وی با بیان اینکه البته ممکن است در روزهای آینده از سوی رژیم صهیونیستی در این مسیر کارشکنی‌هایی صورت گیرد، تأکید کرد: هدف اصلی اسرائیل همواره این بوده است که آمریکا را وارد جنگ با جمهوری اسلامی کرده و زمینه آشوب در شهرهای ایران را فراهم سازد که البته اشتباه می‌کند.

اگر بار دیگر جنگی از سوی رژیم صهیونیستی به جمهوری اسلامی ایران تحمیل شود همانند جنگ ۱۲ روزه، کشور در برابر دشمن متجاوز به خاک ایران با انسجام و یکپارچگی بیشتری عمل خواهد کرد. عصاره اظهارات رسانه‌ها به‌ویژه رسانه‌های صهیونیستی عبارت از این است که کسی حریف جمهوری اسلامی نمی‌شود و کشورهای غربی هم جان سربازان خود را برای جنگیدن با جمهوری اسلامی به خطر نمی‌اندازند. آنها پیش‌تر این کار را تجربه کرده‌اند و با ۴۰۰ هزار نیروی نظامی در افغانستان و عراق، کاری را انجام دادند و موفق نشدند و آمریکا ناچار شد، افغانستان را ترک کند.

خط آشوب صرفاً خط مخالفت با جمهوری اسلامی نیست بلکه به‌معنایی تکه‌تکه شدن کشور است. من همواره تأکید کرده‌ام که اگر نخبگان به جمهوری اسلامی منتقد هستند باید انتقادات خود را مطرح کنند و بهترین اقدام در این زمینه، روش اصلاحی است حتی اگر به شیوه‌های اصلاحی پاسخ مناسبی داده نشود. کشورهای غربی و رژیم صهیونیستی تنها راه پیش روی خود برای ضربه زدن به جمهوری اسلامی را در برپایی «آشوب سراسری» در ایران می‌بینند که این موضوع به‌خصوص مورد علاقه نیروهای اسرائیلی-ترابمپستی یا «ترامپ‌هاو» است.

باید بدانیم دشمن به‌دنبال چه چیزی است. به اعتقاد من خط آشوب این است که می‌خواهند، کشور را بهم بریزند چه خوشایند ما باشد چه نباشد، بازی بزرگی در دنیا آغاز شده است. در این بازی بزرگ، آمریکا تلاش دارد به نحوی با کشور چین مقابله کند و نمی‌خواهد خود را در خاورمیانه درگیر سازد و این کار را با تکنولوژی آمریکایی به دست اسرائیل سپرده است. راهبرد اسرائیل دستیابی به برتری در منطقه است و ایران قوی و مستقل را دوست ندارد و البته معتقدم علاقه‌ای هم به ترکیه قوی ندارد حتی عربستان قوی را هم نمی‌خواهد. ما باید در این میان توجه داشته باشیم که اسرائیل و آمریکا در آن بازی بزرگ قرار است چه بلایی بر سر ایران بیاورند و بیش از گذشته از کشورمان محافظت کنیم. دلخوری از شرایط کشور نباید در دفاع ما از ایران اثر بگذارد.

منبع: ایرنا

گزارش ویژه

افتتاح طرح‌های ۱۶۱ روستای آذربایجان شرقی

آذربایجان شرقی - فلاح: مدیرکل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی آذربایجان شرقی از افتتاح ۱۶۱ طرح‌های روستایی در استان به مناسبت دهه فجر انقلاب اسلامی خبر داد. حجت الله سرروری با اعلام این خبر اظهار کرد: برای اجرای طرح‌های این ۱۶۱ روستا شامل جدول‌گذاری، آسفالت‌ریزی و سنگفرش ۲۲۲ میلیارد تومان هزینه شده است. وی با اشاره به افتتاح پنج هزار و ۲۱۰ واحد مسکونی از محل تسهیلات ویژه بهسازی و نوسازی مسکن روستایی افزود: این واحدهای مسکونی در سطح روستاهای استان و شهرهای زیر ۲۵ هزار نفر جمعیت مقاوم‌سازی شده است.

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۰۲۱۹۶۹-۱۴۰۴/۰۸/۲۷ مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۷ هیات اول دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبت حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای / خانم دیاله چاله فرزند پاشا بشماره شناسنامه ۵۱۴ صابره از کرمانشاه مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به ۱۰۳۳ دانگ مشاع از ششداگ یک باب ساختمان به مساحت ۸۶۸۰ متر مربع پلاک ۸ فرعی از ۹۴ اصلی بخش یک حومه خربداری از کرمانشاه مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به ۱۰۳۳ دانگ مشاع از ششداگ یک باب ساختمان به مساحت ۸۶۸۰ متر مربع پلاک ۸ فرعی از ۹۴ اصلی بخش یک حومه خربداری از کرمانشاه مبنی بر صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. / ۷۲۹۵
آیت اله زارع – رئیس ثبت اسناد و املاک
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۱/۰۵ / تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۱/۲۱

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۰۲۱۹۷۱-۱۴۰۴/۰۸/۲۷ مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۷ هیات اول دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبت حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای / خانم منصور علی چاله فرزند پاشا بشماره شناسنامه ۷۰۶ صابره از کرمانشاه مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به ۱۰۳۳ دانگ مشاع از ششداگ یک باب ساختمان به مساحت ۸۶۸۰ متر مربع پلاک ۸ فرعی از ۹۴ اصلی بخش یک حومه خربداری از کرمانشاه مبنی بر صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. / ۷۲۹۷
آیت اله زارع – رئیس ثبت اسناد و املاک
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۱/۰۵ / تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۱/۲۱

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۰۲۱۹۷۰-۱۴۰۴/۰۸/۲۷ مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۷ هیات اول دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبت حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای / خانم خسرو چاله فرزند پاشا بشماره شناسنامه ۵ صابره از کرمانشاه مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به ۱۰۳۳ دانگ مشاع از ششداگ یک باب ساختمان به مساحت ۸۶۸۰ متر مربع پلاک ۸ فرعی از ۹۴ اصلی بخش یک حومه خربداری از کرمانشاه مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به ۱۰۳۳ دانگ مشاع از ششداگ یک باب ساختمان به مساحت ۸۶۸۰ متر مربع پلاک ۸ فرعی از ۹۴ اصلی بخش یک حومه خربداری از کرمانشاه مبنی بر صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. / ۷۲۹۵
آیت اله زارع – رئیس ثبت اسناد و املاک
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۱/۰۵ / تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۱/۲۱

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۰۲۱۹۷۰-۱۴۰۴/۰۸/۲۷ مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۷ هیات اول دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبت حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای / خانم مریم چاله فرزند پاشا بشماره شناسنامه ۲۵۳ صابره از کرمانشاه مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به ۶۸۰ صدم دانگ مشاع از ششداگ یک باب ساختمان به مساحت ۸۶۸۰ متر مربع پلاک ۸ فرعی از ۹۴ اصلی بخش یک حومه خربداری از کرمانشاه مبنی بر صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. / ۷۴۰۱
آیت اله زارع – رئیس ثبت اسناد و املاک
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۱/۰۵ / تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۱/۲۱

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۰۲۱۹۷۲-۱۴۰۴/۰۸/۲۷ مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۷ هیات اول دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبت حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای / خانم مریم چاله فرزند پاشا بشماره شناسنامه ۲۵۳ صابره از کرمانشاه مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به ۶۸۰ صدم دانگ مشاع از ششداگ یک باب ساختمان به مساحت ۸۶۸۰ متر مربع پلاک ۸ فرعی از ۹۴ اصلی بخش یک حومه خربداری از کرمانشاه مبنی بر صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. / ۷۴۰۲
آیت اله زارع – رئیس ثبت اسناد و املاک
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۱/۰۵ / تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۱/۲۱

زمان‌مندی آگاهی

نقدی بر مقاله محمد طیبیان با عنوان «یک گذار ناتمام تاریخی»

مقاله «یک گذار ناتمام تاریخی» با تکیه بر فلسفه تاریخ هگل و خوانش چرخه‌ای جامائیتستا ویکو، تلاشی ارزشمند برای فهم ریشه‌های بحران مزمن ایران معاصر است. نویسنده به‌درستی مسئله‌محوری یک قرن گذشته ایران را نه فقدان آگاهی اخلاقی یا کمبود خواست سیاسی بلکه شکاف میان آگاهی نو و نهادهای ناتوان از عینیت‌بخشی به آن تشخیص می‌دهد. این تشخیص به‌ویژه در تأکید بر این نکته که «آزادی بدون نهاد توحمی ناپایدار است» از نقاط قوت مهم مقاله به شمار می‌آید.

با این حال، به نظر می‌رسد مقاله در تاریخ‌گذاری ظهور آگاهی از آزادی در جامعه ایرانی دچار نوعی تقدم زمانی شده است؛ تقدیمی که اگر اصلاح شود، نمتنها با چارچوب هگلی-ویکویی سازگار نیست بلکه انسجام درونی تحلیل را افزایش می‌دهد.

نویسنده به‌طور ضمنی انقلاب مشروطه را نقطه ورود جامعه ایرانی به «آگاهی از آزادی» تلقی می‌کند و بحران‌های بعدی را عمدتاً ناشی از ناتوانی در نهادسازی متناظر با این آگاهی می‌داند. این خوانش، هرچند رایج است اما از منظر دقیق فلسفه تاریخ، قابل مناقشه است. آنچه در انقلاب مشروطه پدیدار شد بیش از آنکه آگاهی از آزادی به معنای هگلی آن باشد، آگاهی از عدالت و نفی ظلم خودسرانه بود. ماهیگیری چون قانون، مجلس و تحدید قدرت در افق فکری مشروطه‌خواهان عمدتاً ابزارهایی برای تحقق عدالت تلقی می‌شدند نه تجلی حق خودآیینی فرد یا آزادی به‌مثابه ارزشی فی‌نفسه.

در زبان هگل، می‌توان گفت مشروطه ایران در سطح «حق» (Recht) و اخلاق ضداستبداد باقی ماند، نه در سطح «آزادی ذهنی» و خودآگاهی فرد به‌مثابه فاعل آزاد. فرد ایرانی در این مقطع تاریخی، خود را بیش از آنکه صاحب حق آزادی بداند، مظلوم مستحق عدالت می‌فهمید. از این منظر، مشروطه را می‌توان نه لحظه ورود به عصر آگاهی از آزادی بلکه مرحله پیش‌تاریخی و زمینه‌ساز آن دانست؛ مرحله‌ای که قدرت را مستلهمند کرد و نظم کهن را ترک انداخت اما هنوز به درک آزادی به‌مثابه اصل بنیادین نرسیده بود.

اگر این تمایز بذرفته شود، آنگاه می‌توان استدلال کرد که جامعه ایرانی در دوره اصلاحات بود که برای نخستین بار به‌طور گسترده وارد فهم آزادی به معنای مدرن و هگلی آن شد. اهمیت اصلاحات نه صرفاً در رقابتی شدن انتخابات با گشایش‌های مقطعی سیاسی بلکه در این واقعیت نهفته است که آزادی، آزادی بیان، انتخاب، تشکل و سبک زندگی برای بخشی از جامعه به ارزشی مستقل و موضوع مطالبه‌فی‌نفسه بدل شد نه صرفاً ابزاری برای تحقق عدالت یا رفع ظلم.

از این زاویه، دهه‌های اخیر، به‌ویژه ۱۰ سال گذشته، واجد اهمیت فلسفه تاریخی مضاعف‌اند. اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، فارغ از نهادهای رسمی، آگاهی از آزادی را از سطح گفتمان نخبگان به سطح زیست‌جهان روزمره منتقل کرده‌اند. در نتیجه، آنچه امروز با آن مواجهیم، نه فقدان آگاهی از آزادی بلکه تعمیق و گسترش این آگاهی در غیاب امکان عینیت‌نهادی آن است. این وضعیت، اگر با زبان ویکو سخن بگوییم، مصادیقی از کورس آگاهی بدون ریکورس نهادی موفق است؛ و اگر با هگل بنگریم، شکافی است میان خودآگاهی آزادی و تحقق عینی آن در نهادهای عقلانی. در این چارچوب اصلاح‌شده، بحران کنونی ایران نه صرفاً استمرار یک گذار ناتمام از مشروطه بلکه نشانه ورود دیر هنگام اما شتابان جامعه به آگاهی از آزادی است؛ آگاهی‌ای که اکنون با ساختارهایی مواجه شده که هنوز در منطق پیش‌آزادی یا عدالت‌محور قدیمی عمل می‌کنند. به بیان دیگر، مسئله اصلی امروز شاید نه این باشد که چرا نهاد نداریم بلکه این باشد که نهادهای موجود متعلق به مرحله‌ای تاریخی‌اند که جامعه از آن عبور کرده است.

اصلاح این تاریخ‌گذاری، نه از ارزش تحلیل نویسنده می‌کاهد و نه چارچوب هگلی-ویکویی مقاله را تضعیف می‌کند؛ بلکه برعکس، نشان می‌دهد که بحران امروز ایران، حاصل تقدم آگاهی آزادی بر امکان‌های نهادی آن است و همین تقدم، مسئله گذار را پیچیده‌تر، پرهزینه‌تر و در عین حال گریزناپذیرتر کرده است.



مهدی علی‌آبادی

فعال سیاسی